

جایگاه دیپلماسی استانی در کاهش قاچاق کالا

(مطالعه موردی استان کردستان)^۴

عابد اصلانی اسلمرز^۵، سیف‌الله ساعدی^۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۷

چکیده

تحقیق حاضر درصدد بررسی این سؤال است که آیا گسترش دیپلماسی استانی می‌تواند کاهش قاچاق کالا در استان کردستان را به دنبال داشته باشد؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه توأم با مصاحبه می‌باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی — توسعه‌ای و براساس ماهیت و روش به صورت توصیفی — تحلیلی و برای گردآوری داده‌های تحقیق از ابزار کتابخانه‌ای، اینترنتی و تفسیر اسناد و میدانی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توسعه نیافتگی استان و ناموزونی توسعه بعنوان بستر عمل سایر متغیرهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منطقه، از عوامل اصلی رشد و گسترش قاچاق کالا و سایر جرایم و تهدیدات امنیتی محسوب می‌شود از طرف دیگر پژوهش حاضر به این نتیجه دست‌یافته است که پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده که استان کردستان بواسطه مرزی بودن و پیوستگی قومی و مذهبی با اقلیم کردستان از یکسو و نیاز همه جانبه اقلیم به توسعه ارتباط با ایران از طرف دیگر، از پتانسیل‌های بالقوه فراوانی برای توسعه و به تبع آن ارتقای امنیت مرزی برخوردار است که بالفعل شدن این پتانسیل مستلزم بکارگیری دیپلماسی استانی فعال، سنجیده و هدفمند با بکارگیری دیپلماتهای متخصص و آشنا(بومی) به مسائل و نیازمندیهای استان است؛ البته دیپلماسی استانی در سطح ملی و جهانی نیز می‌تواند در توسعه کردستان موثر باشد.

کلمات کلیدی: دیپلماسی استانی، کردستان، امنیت مرزی، جرایم مرزی، اقلیم کردستان

۴. مقاله حاضر بخشی از طرح پژوهشی است تحت همین عنوان ده در سال ۱۱۶۲ با حمایت مالی ومعنوی فرماندهی مرزبانی استان کردستان صورت گرفته است.

۵. کارشناس ارشد روابط بین الملل(نویسنده مسئول) ab_۱۶۳۴@yahoo.com

۶. کارشناس ارشد علوم سیاسی و کارشناس سیاسی فرمانداری سنندج

Investigating the Status of Provincial Diplomacy in Reducing Trafficking (Case Study of Kurdistan Province)

Aslani Abed Aslmars, Saifullah Saadi

Abstract

The present study seeks to investigate whether the expansion of provincial diplomacy could lead to a decrease in commodity trafficking in Kurdistan province. The research method used in this study is a survey and data gathering tool with a questionnaire with interview.

The research method used in this study is purpose-oriented, applied-based, and descriptive-analytical in nature and the method and library, internet and field interpretation tools have been used to collect research data. The findings of the study indicate that underdevelopment of the province and development disparity as well as other geographical, political and cultural variables of the region are major factors in the growth and expansion of trafficking in goods and other security crimes and threats. It has been concluded that the present study has concluded that Kurdistan due to its border and ethnic and religious affiliation with the Kurdish region on one hand and the widespread need of the climate for the development of relations with Iran on the other hand have great importance. potential for development. And consequently, it has the benefit of enhancing border security that has the potential to become drunk Provincial land uses active diplomacy, deliberate and targeted experts and diplomats familiar with the indigenous issues and needs of the province, but the provincial, national and international diplomacy can be effective in the development of Kurdistan.

Keywords: Provincial Diplomacy, Kurdistan, Border Security, Border Crime, Kurdistan Region

مقدمه

مرزها بعنوان پوسته و لولای ژئوپلیتیکی کشورها، پشتوانه‌ای محکم برای ابعاد مختلف امنیت در داخل کشور محسوب می‌شوند و هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند اخلاص در سیستمهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی داخل کشور را به دنبال داشته باشد و بلعکس امنیت مطلوب مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا، می‌تواند زمینه را برای توسعه و تعالی یک کشور فراهم نماید (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۱۸) به عبارتی دیگر امنیت مرزی از آن جهت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که نقش واسط بین امنیت داخلی و خارجی را دارد و از آنجایی که مرزها اولین لایه جذب تشعشعات و امواج منفی بیرونی هستند، پاشنه آشیل دولتها محسوب می‌شود؛ لذا امنیت مرزها بیش از هر موضوع دیگری برای دولتها اهمیت می‌یابد (حیدری و انعامی و فتاحی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) به همین دلیل منطق ژئوپلیتیک مرز حکم می‌کند که حفاظت و حراست و پاسداری از مرزهای کشورها بعنوان یک ارزش اساسی در راستای اعمال حق حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی در کانون سیاستگذاری و راهبردی کشورها قرار گیرد و در رأس منافع و اهداف ملی آنها قرار داشته باشد. امنیت کشور ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و مرزهایش به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکش همواره آوردگاه بسیاری از جنگ‌ها و مخاصمات بوده است. داشتن ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با ۱۵ کشور عمدتاً بی‌ثبات دنیا و قرار گرفتن ۱۶ استان کشور در محیط مرزی کشور اهمیت امنیت مرزها را برای ایران نسبت به سایر کشورهای جهان دوچندان می‌کند.

بخصوص اینکه بخش پیرامونی (مرزی) برخلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، بواسطه تنوع قومی و مذهبی متفاوت از بخش مرکزی، دچار گسیختگی است به عبارت دقیق‌تر سکونت مجموعه‌ای متنوع و متفاوت از گروههای فرهنگی و قومی از قبیل کُرد، آذری، عرب، بلوچ و ترکمن با بافت مذهبی متفاوت (اهل تسنن) که دارای دنباله‌هایی در آنسوی مرزهای سیاسی هستند و با یکدیگر دارای تعاملات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که این امر در مرزهای کشور در

برهه‌های خاصی منشاء آسیب‌ها، چالش‌ها و تهدیدات امنیتی برای کشور بوده است (پیشگاهی فرد و امیدی، ۱۳۸۸: ۵۱) البته نمی‌توان تاثیر ساختار ناموزون توسعه و سیاست‌ها و نوع نگاه دولت‌های حاکم در دوره‌های مختلف زمانی را بر شدت و ضعف این تهدیدات نادیده گرفت.

بسترهای داخلی مذکور، زمینه را برای تاثیر گذاری و فعال شدن عوامل خارجی و شدت گرفتن تهدیدات مهیا می‌نمایند از جمله عوامل خارجی می‌توان به بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، بحرانهای قومی و مذهبی در دولتهای همجوار و سیاست‌های اقتصادی متفاوت به همراه اختلافات سیاسی و مرزی با کشور همسایه اشاره نمود هرچندکه نمی‌توان نقش مهم بازیگران مداخله‌گر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در فعال شدن شکاف‌های قومی — مذهبی و به تبع ناامنی مرزهای ایران نادیده گرفت که این ناامنی‌ها در قالب تهدیدات و جرایم مانند قاچاق کالا، تردهای غیر مجاز مرزی، خالی شدن روستاهای مرزی از سکنه و فراتر از آن واگرایی قومی و مذهبی در قالب تشکیل گروهک‌های شبه نظامی معارض و... مطرح شده‌اند و هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را به کشور تحمیل کرده است.

استان کردستان با ۲۲۷ کیلومتر مرز مشترک با اقلیم کردستان از جمله این مرزهاست. وجود شکاف‌های متقاطع قومی و مذهبی در کردستان و پیوستگی قومی در کشورهای همجوار، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در این کشور، پتانسیل بالایی برای شکل گیری تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در استان کردستان ایجاد کرده است که بسته به تحولات و نگرش‌های مختلف دولتها به منطقه از حالت بالقوه به بالفعل درآمده است. البته در فعال شدن این چالش‌ها علاوه بر عوامل داخلی، عوامل بین‌المللی نیز دخیل بوده است. این تهدیدات سیاست کشور در برخورد با این تهدیدات عمدتاً بهره‌گیری از ابزار سخت مانند تقویت و تجهیز پاسگاه‌های مرزی به مدرنترین ادوات نظامی و انسداد مرزی با حفر خندق و دیوار بوده است هرچند که از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بعنوان مکمل بهره‌گرفته شده است اما تداوم برخی جرایم مرزی در مرزهای کردستان، از کافی نبودن و عدم کارایی سیاست‌های

مذکور در از بین بردن جرایم مرزی مذکور بوده است که این امر را می‌توان ناشی از دو امر دانست یکی مربوط به ماهیت و ابعاد تهدیدات و دیگری منشاء تهدیدات و جرایم؛ در عصری که هم بازیگران فراملی و فروملی غیر دولتی در کنار بازیگران دولتی به ایفای نقش می‌پردازند تهدیدات نه تنها از بعد سخت افزاری به بعد نرم افزاری تسری پیدا کرده بلکه ابعاد آن تنها در مسائل نظامی محصور نمانده و مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را نیز در بر گرفته، همچنین پیوند فضایی ناشی از مجاورت جغرافیایی و دخالت و تاثیر همزمان دو دسته عوامل داخلی و خارجی در ایجاد و رشد جرایم مرزی و تهدیدات امنیتی در مناطق مرزی استان گوردستان، را به دنبال داشته است. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی تاکید بر مقابله سخت افزاری با تهدیدات و اتکای صرف به منابع داخلی جهت کاهش جرایم مرزی مذکور، کافی نیست در بعضی موارد حتی نتیجه معکوس داده است؛ نگارندگان پس از بررسی‌های اولیه نظریات حوزه امنیت و مطالعه مقالات مرتبط با چالش‌های امنیتی در محیط تحقیق و مشاهدات میدانی، مفروض ذیل الذکر را بعنوان فرضیه اصلی مقاله مطرح نموده‌اند "به نظر می‌رسد توسعه نیافتگی استان به همراه ناموزونی توسعه در ایران زمینه ساز فعال شدن شکافهای قومی — مذهبی و تبدیل آنها به تهدیدات امنیتی شده و نهادهای استانی با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی با توسعه روابط همه جانبه خود در وهله اول با اقلیم گوردستان بعنوان همسایه و درمرحله بعد با سازمانهای دولتی و غیر دولتی بین المللی و شهرهای غیر همسایه جهان می‌تواند زمینه را برای رهایی از توسعه نیافتگی استان و به تبع ارتقای امنیت مرزی در استان گوردستان فراهم نماید."

با توجه به اهمیت امنیت مرز، بررسی و شناخت روشمند علل و عوامل موثر بر امنیت مرز و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی می‌تواند به ارتقای امنیت مرزی و به تبع آن امنیت ملی در ابعاد مختلف آن کمک نماید. فارغ از اهمیت محیط تحقیق حاضر یعنی استان گوردستان، آنچه ضرورت این تحقیق را دوچندان خواهد کرد، فقدان هرگونه پژوهشی در حوزه جایگاه دیپلماسی استانی در ارتقای امنیت مرزی گوردستان است. از لحاظ آکادمیک نیز جدید و نو بودن بحث دیپلماسی استانی در ساختار متمرکز سیاسی ایران می‌تواند بر جذابیت و ضرورت مقاله حاضر بیفزاید.

۱. سوالات تحقیق

۱-۱. سوال اصلی

✓ نهادها و ارگانهای استانی چگونه می‌توانند از ابزار دیپلماسی، در راستای توسعه و ارتقاء امنیت مرزی به ایفای نقش بپردازند؟

۲-۱. سوالات فرعی

✓ پتانسیل‌های استان کردستان برای بهره‌گیری از امکانات منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه چه هستند؟ و موانع بهره‌گیری از دیپلماسی استانی چه عواملی هستند؟
✓ چالش‌های امنیتی در کردستان چه مواردی را در بر می‌گیرد؟ و علل بروز این چالش‌ها چیست؟

۲. اهداف تحقیق

پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی نقش دیپلماسی بویژه در سطح استانی آن، بر ارتقاء امنیت در مناطق مرزی بطور عام و مرزهای استان کردستان بطور خاص بپردازد به عبارتی دیگر هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی مجاری اساسی ارتقای امنیت مرزی با بهره‌گیری از ابزاری بنام دیپلماسی استانی است. از جمله اهداف دیگر مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ شناسایی تهدیدات امنیتی و جرایم مرزی در استان کردستان.
- ✓ شناخت ظرفیتها و پتانسیلهای بین‌المللی و منطقه‌ای منابع توسعه و ارتقای امنیت کردستان.
- ✓ توسعه نظری مباحث مربوط به دیپلماسی استانی با توجه به ساختار متمرکز سیاسی ایران.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و براساس ماهیت و روش به صورت توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری داده‌های تحقیق از ابزار کتابخانه‌ای، اینترنتی و تفسیر اسناد و میدانی استفاده شده است.

۴. ادبیات تحقیق

۴-۱. دیپلماسی و تحول آن در گذر زمان

واژه دیپلماسی از کلمه یونانی دیپلم^۷ به معنای تا کردن گرفته شده که خود به معنای طومار یا نوشته رسمی یا اعتبارنامه^۸، مانندی است که دارنده آن از امتیازات و مسئولیت ویژه‌ای بهره‌مند می‌شد (Sharp, ۲۰۱۲: ۳۷) سپس این کلمه به منشور یا سندی گفته شد که به فرستادگان دولت‌ها داده می‌شد و در اواخر سده هجدهم تنها به پیشه فرستادگان دولتها که مجوز برقراری روابط با کشورهای خارجی را داشتند گفته می‌شد و کسانی را که بدین امر می‌پرداختند را دیپلمات می‌نامیدند (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) بطور کلی از دیپلماسی تعاریف متعددی در متون مختلف ارائه شده است گاه دیپلماسی در مفهوم کلی آن به معنای گفتگو و ارتباط صلح آمیز بین واحدهای سیاسی (Nigro, ۱۹۵: ۲۰۰۸) تعریف می‌شد به عبارتی دقیقتر دیپلماسی را ابزاری می‌دانند که دولتها امورات خارج از مرزهایشان را به شیوه مسالمت آمیز اداره و هدایت می‌نمایند (Auchli, ۲۰۰۸: ۲) بطور کلی دیپلماسی در معنی محدود آن، به شیوه مسالمت آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین المللی اطلاق می‌شود و در شکل گسترده و آن به مدیریت سیاست خارجی که طی آن کلیه اقداماتی را که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، تکنولوژیک و امنیتی و نظامی انجام می‌دهد، گفته می‌شود (قوام، ۱۳۸۶: ۳۷۴). یکی از وجوه مشترک تعاریف مذکور ارتباط دادن دیپلماسی به دولت است که این امر باعث شده عمده متون نگارش

۷. Diploma

۸. Credential

یافته در این حوزه دیپلماسی را همزاد با تولد پدیده دولت — ملت مدرن بعد از پیمان وستفالی در ۱۶۴۸ بدانند (Colin, Geoffrey; ۱۹۹۹: ۵۸) از جمله ویژگیهای این نوع دیپلماسی که امروز به دیپلماسی کلاسیک شهرت یافته است انجام آن در فضای محدود و بسته که قدرت مانور ویژه‌ای به دستگاه دیپلماتیک می‌بخشید که حل و فصل دشوارترین امور را برای آنها تسهیل می‌نمود همچنین اجرای دیپلماسی در انحصار وزارت خارجه کشورها و هیئت‌های نمایندگی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها این کشورها در خارج بود (سجاد پور، زاده علی، ۱۳۹۳: ۴۷) باگذشت زمان به موازات تحولاتی که در عرصه‌های فناوری، اقتصادی، ارتباطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وقوع پیوست دیپلماسی نیز از لحاظ موضوع، هدف، ساختار، کارکرد، دستخوش تغییراتی گردید (Neag, ۲۰۱۴: ۱۶۰) یکی از این تغییرات، تحول در ساختار و مطرح شدن بازیگران فراملی و فروملی دولتی و غیردولتی بود که در حوزه تفویض به پیدایش مفهومی بنام پارا دیپلماسی یا دیپلماسی موازی منجر شده است. واژه پارا دیپلماسی یا دیپلماسی موازی که تحت عناوینی مانند دیپلماسی چند لایه و فروملی نیز از آن یاد می‌شود، بیانگر روند روبه رشد بین‌المللی شدن امور داخلی و قرار دادن نگرانی‌های محلی و منطقه‌ای در مرکزیت امور بین‌الملل است به عبارتی دقیق‌تر پارادیپلماسی بیانگر ظرفیت و نقش آفرینی هویت‌ای فروملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان، مستقل از حکومت مرکزی، در عرصه بین‌المللی در تعقیب منافع خاص بین‌المللی است؛ در این فرایند مناطق درون کشوری، دولت‌های فدرال، استانها و شهرها به دنبال راههایی برای ارتقاء تجارت، سرمایه‌گذاری، همکاری و مشارکت در فهرستی طولانی از موضوعها و خواستار برخورداری از سهمی در تماس‌های فرامرزی هستند. این حکومت‌های فروملی یا منطقه‌ای با هدف ارتقاء منافع خود در روابط بین‌الملل به گشودن خانه‌های فرهنگ و تجارت در سایر کشورها، پیوستن به شبکه‌های همکاری بین‌المللی، امضای معاهدات و توافقاتنامه‌ها با دولت‌های خارجی و بازیگران غیردولتی مبادرت می‌ورزند (دهشیری، ۱۳۹۲: ۴) به عبارت دیگر با توجه به رشد حکومت‌های محلی در عصر جهانی شدن، شهرها و استانها را می‌توان بازیگران نوین در روابط بین‌الملل معاصر دانست. در

عرصه اقتصادی، چنین قلمداد می‌شود که اغلب حکومت‌های ملی ممکن است فاقد مهارت و کادر لازم برای درک کامل واقعیت‌های محلی و مدیریت آن با توجه به پیچیدگی‌های آن باشند و یا علاقه کافی برای پرداختن به مسائل و مشکلات محلی را ندارند، لذا حکومت‌های محلی به این تفکر تمایل دارند که خود به طور کامل قادر به تعقیب منافع محلی خود بپردازند به عبارتی دقیق‌تر حکومت‌های محلی با ادعای شناخت بیشتر از نیازمندی‌ها و توانمندی‌های خود و همچنین اذعان به ناتوانی دولت مرکزی در تامین نیازهای تمامی دولت‌های محلی، خواستار فعالیت در عرصه بین‌المللی هستند. بنابراین حکومت‌های محلی چه در قالب استان‌ها، ایالات و یا شهرها از جمله بازیگران محوری، در پارادایم‌های دیپلماسی هستند که بلعکس بازیگران دیگر که سابقه‌ای در دیپلماسی ندارند، سعی در استرداد نقش ماقبل و ستفالیایی خود در عرصه مناسبات بین‌المللی را، دارند (احمدی پور، قورچی و قادری حاجت، ۱۳۹۱: ۱۵۹). فرایند دخالت حکومت‌های محلی در عرصه دیپلماسی که بخشی از پارادایم‌های محسوب می‌شود در حوزه نظریه به طرح دیپلماسی شهری منجر شد. با توجه به ساختار متفاوت تقسیمات جغرافیایی در کشورها و قدرت و اختیارات متفاوت هر کدام از حوزه‌ها در کشورهای مختلف که متأثر از ساختار فدرالی یا متمرکز دولتها است و همچنین عینی بودن واحد شهر و قدرت شهرها در کشورهای غربی، شکلگیری نظریه‌ها در این حوزه بر محور شهر بوده و تحت عنوان دیپلماسی شهری مطرح شده است اما در ایران بطور عام و گ‌ردستان بطور خاص، شهرها به دلایل مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی و... به تنهایی، توانایی کافی در این عرصه را ندارند، در این راستا استان و دیپلماسی استانی بعنوان محور پژوهش حاضر انتخاب شده است از آنجائیکه نظریات حول محور دیپلماسی شهری شکل گرفته‌اند نگارندگان نیز ناچاراً از نظریات و تعاریف دیپلماسی شهری و ابعاد آن استفاده کرده و آنرا به دیپلماسی استانی سرایت داده‌اند.

۴-۲. دیپلماسی استانی (شهری، حکومت‌های محلی)^۹

از دیپلماسی شهری در منابع مختلف تعاریف متفاوتی شده است که بعضی از آن به‌عنوان ابزار حکومت‌های محلی و معاشرتشان برای کمک به حکومتها، در منازعات و جنگ‌ها بوسیله گسترش و عملیاتی کردن همکاری شهر با شهر، باهدف ایجاد محیطی با ثبات که در آن شهروندان می‌توانند باهم در صلح، دموکراسی و رفاه و رونق زندگی کنند، یاد می‌کنند (۶: ۲۰۱۴، Thonon) یا از آن بعنوان شکلی جدید از دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدنی یاد می‌شود که در آن شهرها از طریق بازیگران شهری به ویژه شهرداریها، به تعامل با کنشگران همتراز می‌پردازند و با توجه به تحولات نظام بین‌المللی و اهمیت یافتن فزاینده نهادهای عمومی، نقشی عمده و کاربردی را در روابط بین‌الملل برای تعامل، تقویت مذاکرات، توسعه و بهسازی روابط میان ملتها ایفا می‌کنند (۱۵۸: ۲۰۱۳، Acuto) با توجه به تعاریف مذکور و همچنین محذورات ملی و استانی می‌توان دیپلماسی استانی را اینگونه تعریف کرد؛ همکاری نهادها و سازمانهای استانی با محوریت استانداری با همتایان خود در سایر کشورهای و همچنین نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و تخصصی بین‌المللی، با هدف بهره‌گیری از منابع بین‌المللی جهت حل مسائل مشکلات نهادها و ارگان‌های استانی در وهله اول و توسعه در گام دوم.

اما این همکاریهای فرامرزی از نظر دوچاسک دارای سطوح مختلفی است که این سطوح را در قالب واژگان، میکرودیپلماسی منطقه‌ای فرامرزی، میکرودیپلماسی فرامنطقه‌ای و پارادیپلماسی جهانی ذکر می‌نماید تا به ترتیب به توصیف "تماس بین واحدهای غیر مرکزی مستقر در طول مرزها در دولتهای مختلف"، "تماس بین واحدهای غیرمرکزی بدون مرز مشترک، اما مستقر در دولتهای همسایه" و "تماس بین واحدهای متعلق به دولتهای فاقد مرز مشترک" بپردازد. (۲۰۱۴، Kuznetsov) البته می‌توان به این سه نوع تماس، پارادیپلماسی چند جانبه، یعنی تماس وسیع بین انجمنهای چند جانبه، مقامهای محلی را نیز افزود.

۹. Local Government

- ابعاد و کارکردهای دیپلماسی استانی

دیپلماسی استانی تحت تاثیر ساختار سیاسی حاکم بر کشورها می تواند ابعاد و کارکردهای متفاوتی بخود بگیرد که بطور کلی می توان در پنج بعد؛ دیپلماسی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، انتظامی - امنیتی به آن اشاره کرد و از لحاظ کارکرد نیز می توان به تسهیل ارتباطات، مذاکرات سازش، گردآوری اطلاعات، جلوگیری از از منازعات و نماسازی کردن موجودیت یک جامعه بین المللی، اشاره کرد. البته میزان و سطح هر کدام از ابعاد و کارکردها بسته به میزان اختیاراتی است که دولت مرکزی برای استاندارهای قائل است. در زیر صرفاً ابعاد منطبق با اهداف مقاله حاضر، بررسی شده است.

- دیپلماسی استانی و بعد امنیتی

در سالهای اخیر، حل منازعات، جلوگیری از منازعات و صلح سازی به یکی از ابعاد اصلی دیپلماسی استانی و شهری تبدیل شده است هرچند که حاکمیت ایده های دیپلماسی کلاسیک از واگذاری اختیارات در حوزه های امنیتی و سیاسی به حکومت های محلی و شهرها خودداری می کند و دیپلماسی استانی و شهری را فاقد این بعد می دانند اما از آنجائیکه بعد از جنگ سرد درگیری های داخلی افزایش یافته است و هم علل و هم قربانیان این درگیری ها شهرها هستند، توجه به نقش شهرها بیشتر شده است. در نتیجه دولت های محلی و شهرها بواسطه شناخت بهتر و بیشتر این درگیری ها، می توانند نقش موثرتری در حل منازعات داشته باشند. فعالیت های دیپلماسی حکومت های محلی و شهری در حوزه حل منازعات و تامین امنیت سه بعد دارد: ۱. فعالیت های دیپلماتیکی قبل از بروز منازعه به عبارت دیگر دیپلماسی جلوگیری از منازعه، ۲. فعالیت های حین منازعه؛ ۳. فعالیت پس از پایان منازعه، در قالب تلاش های که در قالب بازسازی مناطق آسیب دیده انجام می شود (Pluijm & Melissen, ۲۰۰۷: ۲۰).

- بعد اقتصادی دیپلماسی استانی و توسعه استان

می توان گفت که دیپلماسی اقتصادی ستون اصلی و ثابت دیپلماسی شهری و استانی است. دیپلمات های شهری می توانند با دیپلماسی فعال در مجامع و سازمان های بین المللی، شرکت های خارجی، گردشگران و دیگر سازمان های بین المللی را برای

سرمایه‌گذاری، به شهرهای خود جذب کنند یا می‌توانند دانش و خدمات خود را از طریق پایه‌گذاری شرکت‌های فراملیتی و ایجاد دفاتر مرکزی شرکت‌های خارجی مبادله کنند (Pluijm & Melissen, ۲۰۰۷: ۲۵). همچنین هدف دیپلمات‌های بازرگانی باز کردن بازارهای خارجی برای شرکت‌های کشور خود، از طریق اعمال نفوذ در اقتصاد دیگر کشورها و به وسیله تسهیل ورود شرکت‌های کشور خویش، در بازارهای خارجی است. کار اصلی و مهم دیپلمات‌های بازرگانی تامین اطلاعات درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری و صادرات و سازماندهی و کمک برای اقدام به عنوان میزبان نمایندگی‌های تجاری است. در برخی موارد دیپلمات‌های بازرگانی می‌توانند پیوندهای اقتصادی را از طریق مشاوره و حمایت از شرکت‌های داخلی و خارجی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری ارتقا بخشند. دیپلمات‌های بازرگانی یا کارکنان کشوری به ویژه شامل دیپلمات‌های آموزش دیده یا نمایندگان اتاق‌های بازرگانی هستند (Acuto, ۲۰۱۳: ۶۸). هر چند رویکرد دیپلماسی شهری سیاسی و امنیتی نیست اما می‌توان با ابزار قرار دادن این دیپلماسی نوظهور که بعد اقتصادی آن پررنگ‌تر است در کنار دیپلماسی رسمی نه تنها به اهداف اقتصادی ملی و محلی مانند شهر خود، دست یابد بلکه به روابط سیاسی نزدیک و دستیابی به امنیت پایدار نایل آمد که این امر نیز زمینه‌ساز و بستر توسعه اقتصادی است و لازمه‌اش دیپلماسی و سهیم کردن توانایی‌ها و الزامات خود با دیگر واحدهای ملی و محلی است. فعالیت‌های دیپلماتیک حکومت‌های محلی می‌تواند با همکاری‌های بینا شهری، زمینه توسعه شهری را در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فراهم آورد.

- دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی عبارت است از فرآیند مبادله ارزشها، عادات و رسوم ایجاد شده بوسیله جامعه در طول تاریخ علم و دانش، هنر، موزیک و سایر ابعاد فرهنگ و هویت میان کشورها و مردم برای درک متقابل بیشتر و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه (Rivera, ۲۰۱۵: ۵-۱۱) فعال شدن این بعد از دیپلماسی حاصل ناکارآمدی راهکارهای قدرت محور در حل چالش‌ها و مناقشات جهانی، برقراری امنیت بین‌الملل است و رسانه‌ها و فناوریهای نوین ارتباطی از بازوهای مهم اجرا و اعمال این نوع دیپلماسی

هستند (اخوان کاظمی و مرادی، ۱۳۹۰: ۲) تحلیل توافقی‌های مشترک بین شهرها نشان می‌دهد که امروزه فرهنگ نقش اساسی و مهمی را دیپلماسی ایفاء نموده و شهرها و حکومت‌های محلی می‌توانند با به اشتراک گذاشتن و تسهیم رهاوردها و دستاوردهای فرهنگی یکدیگر در ارتقا و توسعه فرهنگی شهروندان همدیگر، موثر باشند و واسط مهمی برای تبادل و تفاهم بین کشورها باشند و با برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری موجب افزایش دوستی میان ملت‌ها و آگاهی متقابل شهرها از تمدن، فرهنگ، آداب و سنن یکدیگر می‌شود و سهم بسزایی را در افزایش شناخت جهانیان از یکدیگر ایفا می‌کند، و علاوه بر افزایش معامله‌ها و مراودات موجب ذهنیت‌سازی ایجابی و تصویر سازی مثبت و جذاب می‌شود (Acuto, ۲۰۱۳: ۶۸).

– شبکه‌های شهری^{۱۰}

توسعه ساختارهای مرتبط با نگرانیهای محلی و شهری هم می‌تواند در سطح ملی و هم سطح بین‌المللی کانالیزه شود و این موضوع در کشورهای توسعه یافته امری رایج است. این پدیده که عمدتاً در قالب خواهرخواندگی شهرها از آن یاد می‌شود، اغلب به دنبال اهداف فرهنگی، رفاهی، علمی، سهیم شدن در تکنولوژی و اطلاعات هستند. بهترین مثال در این مورد شبکه شهرهای اروپایی است که بیش از ۱۳۰ شهر بزرگ اروپا را دربرمی‌گیرد، همچنین می‌توان به شورای شهرداران اروپایی و مناطق که دربرگیرنده همکاری شهرداران اروپایی است، اشاره کرد (Pluijm & Melissen, ۲۰۰۷: ۲۸-۲۹).

– بازیگران دیپلماسی استانی

با توجه به ساختار اجتماعی و سیاسی هر جامعه، بازیگران مختلفی در دیپلماسی استانی آن جامعه فعالیت می‌کنند اما فعالان برجسته این حیطه شامل استانداران و فرمانداران، شهرداران و انجمنهای شهری، سازمانهای دولتی و غیر دولتی، اتاق‌های بازرگانی، مدیران صنایع و شرکتهای خصوصی، نهادهای نظامی و انتظامی، دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و... هستند که با توجه به تفاوت محیطی که می‌بایست در آن به فعالیت بپردازند، وظایف متفاوتی را بر عهده می‌گیرند.

۳-۴. جایگاه دیپلماسی استانی در ایران

همانطور که ذکر شد ورود به عرصه پارادایم‌های سیاسی بطور عام و دیپلماسی استانی و شهری بطور خاص بسته به ساختار حکومت متفاوت است در ساختار متمرکز و تک ساختی امکان جولان دیپلماتهای استانی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد در صورتیکه در حکومت‌های فدرال، امکان فعالیت‌های بین‌المللی برای ایالات و شهرها در سطح گسترده تری وجود دارد. لذا پیش‌شرط اساسی ورود به عرصه دیپلماسی استانی در ساخت متمرکز حکومت در ایران، شناخت میزان تمایل، کشش و انعطاف حاکمیتی و سیاسی دولت و حکومت برای تدارک مسیر اولیه و برنامه‌ریزی در این زمینه است. اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی کشور قوای حاکم بر کشور را سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه معرفی کرده که زیر نظر ولایت مطلقه امر و بطور مستقل از همدیگر عمل می‌کنند که نشان از تک ساختی بودن حکومت را دارد که در آن تمامی اختیارات حکومت به یک یا چند ارگان مرکزی واگذار شده و این ارگان جهت تسهیل در مدیریت کشور ضمن ایجاد تقسیماتی مانند استان، شهرستان، شهر و... به تفویض اختیاراتی بنابه صلاحدید خود به این واحدها اقدام نماید و هر وقت که تمایل داشته باشد این اختیارات را محدود و یا گسترده می‌نماید (قاضی، ۱۳۸۳: ۸۱ و عالم، ۱۳۸۳: ۳۵۵) در چنین سیستم بسیطی اجرای سیاست خارجی برعهده دستگاه وزارت خارجه گذاشته شده است با این وجود بندهای ۷ و ۸ از ماده ۲ قانون وظایف وزارت خارجه حاکی از امکان برقراری روابط خارجی توسط سایر دستگاههای اجرایی کشور است؛ طبق بند هفت وزارت خارجه مکلف به همکاری با دستگاههای اجرایی کشور و ارائه نظریات لازم با رعایت ملاحظات سیاسی خارجی در جهت بررسی و تهیه طرحهای مربوط به برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی، علمی، فنی و... است. طبق بند هشت نیز این وزارتخانه به فراهم آوردن موجبات و زمینه‌های شرکت و عضویت دستگاههای دولتی در مجامع، سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و ایجاد تسهیلات لازم با همکاری و مشارکت دستگاههای ذیربط، مکلف شده است اما در ماده سوم این قانون نیز کلیه نهادها و ارگانهای جمهوری اسلامی مکلف شده‌اند در تنظیم مناسبات و برقراری هر

نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرار داد و همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی علمی و نظامی با کشورهای خارج و سازمانهای بین‌المللی هماهنگی سیاسی لازم با وزارت امور خارجه به عمل آورده و وزارت امور خارجه نیز مکلف است نسبت به فراهم آوردن موجبات تأمین هماهنگی و ایجاد ارتباط و تسهیلات لازم بر اساس اصول و سیاست‌های خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را معمول دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۶۴). باتوجه به بندها و مواد فوق برقراری و توسعه روابط در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و علمی با کشورها و سازمانهای دیگر، با شرط در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و هماهنگی با وزارت خارجه، برای سایر دستگاه‌های مجاز شمرده شده است. این اختیارات برای استانداران و فرمانداران نیز برای برقراری دیپلماسی استانی و شهری در قانون وظایف استانداران و فرمانداران مصوب ۱۳۷۷ نیز مجاز شمرده شده است: ماده هفت و بیست به قرار زیر به این اختیارات اشاره نموده‌اند: ماده ۷. بررسی زمینه‌های مشترک همکاری با استانهای کشورهای همجوار و انعقاد

یادداشت تفاهم همکاری محلی چهارچوب سیاستها و خط مشی‌های کلی نظام

ماده ۲۰. استانداران با هماهنگی وزارت کشور و موافقت وزارت خارجه میتوانند با مراکز فرهنگی و اقتصادی کشورهای دیگر ارتباط برقرار نمایند. ۱: برقراری ارتباط رسمی و اداری با نمایندگان سیاسی و کنسولی در استان بر عهده استانداران می‌باشد. ۲: هرگونه ارتباط استانداران با مراکز سیاسی کشورهای دیگر حسب مأموریت محوله از طرف مراجع ذیصلاح کشور صورت خواهد گرفت (استانداری گردستان ۱۳۹۴) در جهت هماهنگی استانداران با وزارت خارجه و همچنین تسهیل و ارتقای دیپلماسی استانی وزارت امور خارجه اقدام به تاسیس دفاتر خود در استانها نموده است در رابطه با مهم ترین وظایف دفتر امور خارجه می‌توان به مواردی از قبیل تنظیم روابط خارجی و تسهیل مناسبات تجاری، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی استانها و همچنین مواردی از قبیل تایید اسناد تجاری، تحصیلی، سجلی و حقوقی آنها اشاره کرد. هماهنگی اعزام و تبادل هیئت‌های تجاری، اقتصادی، فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌های متقابل در استان و خارج از کشور و عقد موافقت نامه و تفاهم نامه‌های اقتصادی و فرهنگی از دیگر وظایف و اقدامات مهم دفتر امور خارجه در استان می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۴). بنابراین علی

رغم تک ساخت بودن ساختار سیاسی کشور امکان فعالیت و توسعه دیپلماسی در سطح استانداری‌ها عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی در طول دستگاه وزارت خارجه و هماهنگی با سیاستها و قوانین کشور وجود دارد. در حوزه عمل نیز طی دهه گذشته شاهد مرادوات بین المللی شهرها و استانهای کشور در عرصه بین‌المللی در قالب خواهرخواندگی بوده که این مبادلات در استان‌های توسعه‌یافته و کلانشهرها بیشتر بوده است. استان گُردستان نیز بعد از سقوط صدام حسین و استقرار ثبات نسبی در اقلیم گُردستان، طی سال‌های اخیر اقدام به برقرار ارتباط با شهرها و استان‌های اقلیم نموده است.

۵. مبانی نظری تحقیق

امنیت همگام با ورود انسان به کره خاکی، بعنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان در کنار نیاز به غذا، مطرح شده است که با رشد و پیشرفت بشری ایمنی و امنیت نیز دچار تحول و توسعه دایره امنیت شده است. توسعه و تحول دایره امنیت در عالم واقع موجب ظهور و تحول در نظریات امنیتی شده که در قالب دو گفتمان سنتی و مدرن قابل بررسی است.

امنیت در مفهوم سنتی و کلاسیک آن به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله تعریف شده است (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۸) در این نوع نگرش به امنیت بر جنبه عینی تهدیدات تأکید می‌شود و امنیت با نبود تهدید تعریف می‌شود. شاخصه بارز آن تأکید بر بُعد نظامی است؛ راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است (قوام، ۱۳۸۶: ۳۶۰-۳۵۸)؛ موازنه قوا، توانایی بازدارندگی، توانایی ضربه اول و ضربه دوم از یادگارهای حاکمیت مطالعات امنیتی رئالیستی بر فضای جنگ سرد هستند که مطالعات امنیتی را با تأکید بیش از حد بر قدرت نظامی و به تبع آن تهدید نظامی، به مطالعات استراتژیک تقلیل داده بودند. تأکید رئالیست‌ها بر بعد عینی و فیزیکی امنیت مانند حفظ استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی بعنوان محور امنیت، تقلیل تهدیدها و قدرت به بعد نظامی، نشانگر عدم اعتقاد آنها به سایر ابعاد امنیت است

(Eriksson ۲۰۰۶: ۲۲۹) براین اساس امنیت ملی و امنیت مرزی عبارت است فقدان هرگونه تهدید و تعرض نظامی علیه امنیت وجودی و مرزهای کشور و صیانت از آن با بهره‌گیری از تجهیزات سخت افزاری و تسلیحات نظامی.

تعاریف و نگرش‌های فوق نسبت به امنیت را با اندکی تساهل، می‌توان به جوامع ابتدایی تا قبل از فروپاشی شوروی، تسری داد و آن را در قالب گفتمان سلبی امنیت جای داد. با پایان جنگ سرد و به تبع آن کاهش اهمیت مسائل سیاسی - استراتژیک و همچنین جهانی شدن به همراه انقلاب فناوری‌های نوین ارتباطی، ماهیت تهدیدات و ابزارهای آنرا، با دگرگونی همراه ساخت و به ایجاد فضایی جدید در عرصه جهانی منجر شده که از نظر بازیگران، اهداف، منابع و عناصر قدرت، قواعد و اصول حاکم بر آن از نظام بین‌المللی گذشته متفاوت است. تحولات مذکور انتقال از نگرش سنتی به نگرش مدرن را به همراه داشت. در نگرش جدید امنیت از حالت تک بعدی و سلبی خارج و به گفتمان ایجابی و موسع تبدیل گشته، به عبارتی دقیقتر امنیت صرفاً به فقدان تهدید تعریف نمی‌شود بلکه افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی نیز مدنظر است؛ بنابراین امنیت را می‌توان توانمندی بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها تعریف کرد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۲۵). علاوه بر تعریف ایجابی از امنیت، یکی از اساسی‌ترین کاری که باری بوزان و همکارانش در مکتب کپنهاگ (عاملان اصلی تحول از گفتمان سنتی به مدرن) انجام دادند؛ قرار دادن امنیت موسع در برابر امنیت مضیق است؛ از نظر آنان تقلیل امنیت به تهدیدات نظامی علیه بقاء و وجود دولتها و تضمین و تامین آن با تکیه بر بعد نظامی قدرت (آنگونه که رئالیست‌ها و زیرشاخه‌هایش معتقدند) یا با بهره‌گیری از ابزار اقتصادی (همانگونه که لیبرال‌ها و زیرشاخه‌هایش به آن اعتقاد دارند) علاوه بر آنکه قابلیت پوشش و تحلیل مسائل امنیتی بعد از جنگ سرد را ندارد بلکه موجب نادیده گرفتن سایر ابعاد و نامنی بیشتر خواهد شد در این راستا آنها به توسعه امنیت به پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی پرداختند. بنابراین از نظر گفتمان مدرن تهدیدات مرزی صرفاً جنبه نظامی ندارد و می‌توان برای آن طیف متنوعی از تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، فناوری و... قائل شد. در چنین چشم اندازی امنیت

مرزی مقوله‌ای پیچیده و چند بعدی ارزیابی می‌گردد (حیدری و انعامی و فتاحی، ۱۳۹۱:۱۲۳) که حصول آن با بهره‌گیری صرف از قدرت نظامی نه تنها ممکن نیست بلکه موجبات ناامنی بیشتر را فراهم ساخت؛ بنابراین ابزارهای تامین امنیت نیز باید بسته به نوع و ماهیت تهدیدات انتخاب شوند و می‌توان همزمان از طیفی از ابزارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای تامین امنیت بهره برد.

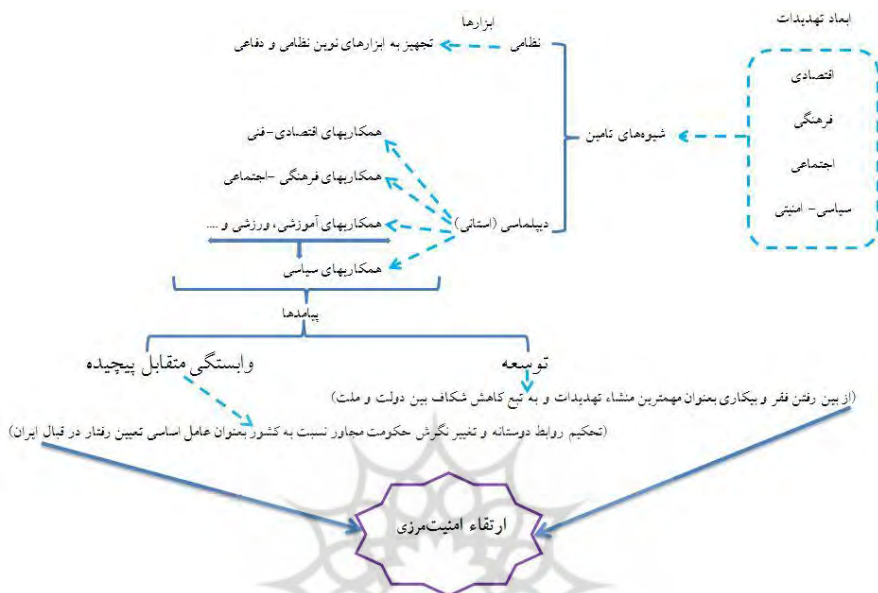
رابرت ماندل^{۱۱} ضمن اذعان به تحول از گفتمان سلبی و مضیق به گفتمان ایجابی و موسع در مکاتب فراسنتی، به خروج امنیت و تهدید از انحصار تهدیدات خارجی اشاره داشته و معتقد است که امنیت در کاهش شکاف بین خواسته‌های شهروندی با توان پاسخگویی حکومت به این نیازها، در کنار دفع تهدیدات بیرونی معنا می‌یابد (ماندل، ۱۳۷۷:۱۲). از نظر وی امنیت مرزی لزوماً ایمنی از خطرات فرامرزی نیست بلکه آنچه در حال حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است؛ پیدایش محرومیت نسبی در قلمرو داخلی و مرزهاست که می‌تواند با مقایسه وضعیت مردم یک منطقه با مردمان مناطق دیگر در داخل و خارج حاصل شود و بدین طریق نقطه اتکاء صرف امنیت مرزی را از محیط خارج به محیط داخل واحد سیاسی منتقل سازد (حیدری و انعامی و فتاحی، ۱۳۹۱:۱۲۴) البته پیش از ماندل، مک نامارا وزیر امور خارجه آمریکا در زمان ریاست جمهوری کندی، ضمن رد تعریف سلبی و مضیق از امنیت و دیدگاهی عمدتاً مبتنی بر مقوله‌های اقتصادی و غیر نظامی ارائه داده است. وی معتقد است سطح مطلوب امنیت برای دولت آمریکا در کنار متغیرهای نظامی، باید از طریق توجه و تاکید بر مولفه‌های رشد اقتصادی و توسعه سیاسی، چه در داخل آمریکا و چه در کشورهای درحال توسعه تامین شود. از نظر وی جامعه‌ای که فاقد توسعه یافتگی مطلوبی باشد دائماً در معرض بحران و ناامنی در ابعاد مختلف قرار دارد و خشونت، تشنج داخلی و انواع جرایم، ناشی از ناامنی اقتصادی و فقر منتج از توسعه نیافتگی است (سعادت‌ی، ۱۳۹۱:۱۲۸۰). بنابراین از نظر این دسته از اندیشمندان و استراتژیست‌ها ناامنی مرزی علاوه بر اینکه ریشه در تهدیدات خارجی دارد، دارای ریشه داخلی که حاصل توسعه

۱۱. Mondel

نیافتگی است، نیز می‌باشد. براساس نظر این اندیشمندان امنیت و توسعه در مناطق مرزی باضریب همبستگی بالا، دارای رابطه مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد به این‌گونه که مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضریب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردار می‌باشند (شمسی و حسن‌زاده و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲: ۷). بنابراین توسعه راهکار اصلی ارتقای امنیت این مناطق است و در مقابل امنیت نیز از پیشنیازهای اساسی توسعه محسوب می‌شود و از آنجائیکه در عصر وابستگی متقابل پیچیده، درونگرایی چه در بحث توسعه و چه تامین امنیت تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد؛ کشورها به گسترش همکاری با محیط بین‌المللی مبادرت می‌ورزند. در ارتباط با نقش همکاریهای فرامرزی در امنیت، کیون و نای معتقدند با توسعه ارتباطات همه جانبه فرامرزی می‌توان ضمن ایجاد وابستگی متقابل پیچیده و به تغییرات نگرشی و سازگار کردن ارزش‌ها و هنجارها در جوامع منجر خواهد شد که زمینه‌های همگرایی یا همان اجتماع امنیتی مورد نظر دویچ را فراهم نمایند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۸). نوکارکردگرایان نیز تقویت همکاریهای منطقه‌ای، فرهنگی و اقتصادی و تسری آن به حوزه سیاسی را عامل ایجاد امنیت و کاهش ناامنی در بین کشورها ذکر کرده‌اند و معتقدند هرچه میزان اشتراکات در حوزه‌های مذکور بیشتر باشد، روند همگرایی و ایجاد امنیت، سرعت خواهد یافت. کارل دویچ نیز معتقد است یکی از راهکارهای ارتقای امنیت افزایش ارتباطات بین جوامع در سطح بین‌المللی است که تراکم بیشتر ارتباطات و مبادلات در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در میان جوامع مختلف در دوره‌های زمانی طولانی می‌تواند منجر به شکل‌گیری اجتماعات جدید بر مبنای هویتی مشترک و خلق یک ابر دولت با نهادهای متمرکز منجر شود (Andrej, ۲۰۰۷: ۴۲۵-۴۳۷). طبق نظر اندیشمندان منطقه‌گرایی اعم از کارکردگرایان، نوکارکردگرایان و کانتوری و اشیپگل، مجاورت جغرافیایی، اشتراکات ارزشی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مکملیت اقتصادی و نیازهای مشترک می‌تواند به شروع، توسعه و تعمیق همکاری تا بالاترین سطح خود یعنی همگرایی، کمک نماید هرچند که نباید اینگونه تلقی شود فقدان موارد مذکور مانع گسترش همکاری بین واحدهای نظام بین‌الملل می‌شود. براین اساس اولویت اول

گسترش همکاریهای فرامرزی واحدهای همجوار که دارای بالاترین سطح از عوامل مذکور است، می‌باشد؛ در مرحله بعد واحدهای غیر همجوار دیگر. این امر تنها در سایه دیپلماسی و ابعاد مختلف آن دیپلماسی اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژیک و... امکان پذیر خواهد بود هرچند که در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت دیپلماسی استانی، هدف از افزایش ارتباطات رسیدن به یک هویت سیاسی جدید اجتماع امنیتی نیست چون در حد اختیارات استانهای با ساختار حکومتی متمرکز نیست بلکه افزایش وابستگی متقابل استانهای همجوار و استفاده از پتانسیل‌های بین‌المللی جهت کاهش جرایم مرزی است. همانطور که بارها در طول پژوهش حاضر ذکر آن رفت در جهان امروز با چند لایه شدن جوامع، دیپلماسی رسمی به تنهایی قادر به شناسایی، مدیریت و تامین تمامی نیازهای شهروندان خود در تعاملات بین‌المللی نیستند، چرا که وابستگی متقابل شهروندی میان ملتها گسترده و فراگیر شده و جوامع نیازمند نماینده‌های متخصص به ویژه در زمینه‌های شهری می‌باشند تا از این طریق بتوانند علاوه بر اینکه به مشکلات عدیده که در میان ملتها مشترک است، فایق آیند، بتوانند از فرصت‌های بومی خود نیز بهره‌مند شوند.

شکل شماره ۱. مدل تحلیلی تحقیق



منبع: اصلانی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۸

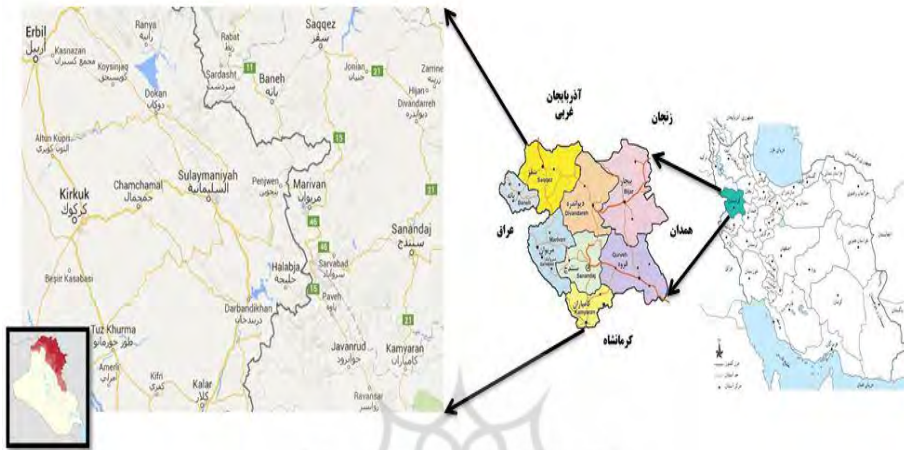
از طرفی چون دیپلماسی رسمی در خدمت اهداف کلی و سیاسی است که به نوعی بازوی سیاست خارجی دولتهای ملی محسوب می‌شود، از اینرو دیپلماسی استانی و شهر ابرازی در خدمت نمایندگان نهادها و سازمان‌های مدنی در مدیریت نیازهای شهروندان قرار می‌گیرد (زرقانی، رنجکش و اسکندران، ۱۳۹۳: ۱۷۰). لذا دیپلماسی استانی جهت استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی بطور عام و ظرفیت کشور (استان) مجاور بطور خاص در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بعنوان راهکاری برای رفع این تهدیدات در معنای گفتمان سلبی امنیت و ارتقای امنیت در گفتمان ایجابی در نظر گرفته شده است و از نظر لیبرال‌هایی مانند کارکردگرایان و نئوکارکردگرایانی مانند هاس و اشمیتر این همکاری‌ها باید ابتدا در حوزه سیاست نرم و مسائل اقتصادی آغاز گردد تا بتدریج این همکاری‌ها به حوزه مسائل سیاست سخت که همان مسائل سیاسی و امنیتی است، تسری و سرریز شود تا از این طریق چه بصورت غیر مستقیم از طریق توسعه پایدار دوطرف مرز و گسترش وابستگی متقابل و چه مستقیم همکاری‌های سیاسی و سخت افزاری در حوزه جرمی مرزی به ارتقای امنیت مرزی نایل آیند.

۶. قلمرو تحقیق

استان کردستان با مساحت ۲۹۱۳۷ کیلومتر مربع که ۱/۸ درصد سطح کشور و رتبه سیزدهم در بین استان‌های کشور را دارا می‌باشد، در غرب ایران در مجاورت خاک عراق بین ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه، از شرق به استان‌های همدان و زنجان و از غرب به کشور عراق محدود است.

استان دارای ۱۰ شهرستان، ۲۹ شهر، ۳۱ بخش و ۸۶ دهستان و ۱۷۰۲ آبادی دارای سکنه می‌باشد. بانه، بیجار، سقز، سنندج، دیواندره، کامیاران، قروه، میوان، سروآباد و دهگلان از مهمترین شهرهای استان می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱: ۳). بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، استان کردستان ۱۴۹۳۶۴۵ هزار نفر جمعیت ۱/۹۸ درصد جمعیت ایران را تشکیل داده است و از این لحاظ رتبه هیجدهم را در بین استانهای کشور دارد که ۶۶ درصد شهری و ۳۴ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. تراکم نسبی جمعیت معادل ۵۱/۲ نفر در کیلومتر مربع است. ۹۹/۶۸ درصد مسلمان، هستند مسیحیان، کلیمی و زرتشتی از اقلیتهای دینی دیگر موجود در استان هستند. در حدود ۹۰ درصد استان اهل تسنن و شافعی مذهب هستند. زبان مردم منطقه کردی است که یکی از شاخه‌های زبانهای هند و اروپایی است.

شکل شماره ۲. محیط تحقیق



منبع: اصلانی و ستوده، ۱۳۹۴:۳۰

۷. چالش‌ها و تهدیدات مرزی، مرزهای استان کردستان

هر چند طبق نظر کارشناسان ایرانی مرزهای ایران و عراق جزو مرزهای تهدیدهای استراتژیک محسوب می‌شوند. اما مرزهای ایران با اقلیم کردستان عراق، بیشتر با خصوصیات طبقه مرزهای تهدید موضعی سنخیت و همخوانی دارد؛ در این مرز با وجود اینکه امکان وقوع جنگ تمام عیار در جدار مرزها به دلایل گوناگون، مانند تفاهم‌های تاریخی و یا استراتژیک ناچیز و متمایل به صفر است اما همواره جدار مرزی در مقیاس محدود، محلی و موضعی، ناامن است؛ در واقع مرز تهدید موضعی، مرزی است که فضای حاکم بر آن به دلیل تردد غیرقانونی مردم — کالا یا استفاده ناراضیان عبور کاروان‌ها یا محموله‌های مواد مخدر، تردد مستمر اشراز و گروهک‌های معاند و معارض و ... ناامن است، با این وجود دولت همجوار مایل به رویارویی قهری بایکدیگر برای حل و فصل آنها نیستند. شرایط ویژه جغرافیایی از جمله دور بودن و در حاشیه بودن مناطق مرزی از هسته‌های سیاسی، اقتصادی دولت‌ها، همبستگی‌ها و همگنی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی جمعیت در دوسوی مرز، تفاوت شدید قیمت کالاها در دو کشور، عملکرد ناچیز

مبادلات تجاری رسمی، نوع و میزان و تفاوت اختیارات ماموران محلی در دو سوی مرز و تفاوتی که در نگاه دولت‌ها به این نوع مرز وجود دارد از جمله عوامل اصلی ایجاد تهدیدات موضعی هستند (کریمی‌پور و کامران، ۱۳۸۰: ۵۶۶) مصاحبه با مسئولان مرزبانی استان گُردستان، کارشناسان امور مرزی استانداری و همچنین بررسی اسناد و مقالات مرتبط با مشکلات و چالش‌های مرزی استان گُردستان، حاکی از آن بود که عمده جرایم مرزی رخ داده در استان گُردستان طی سالهای اخیر شامل تردد غیرمجاز، قاچاق کالا و مشروبات الکلی، واگرایی قومی و رشد گروهکهای شبه نظامی معارض و معاند قومی و خطر سلفیت و... است که بنابه ماهیت محیط هم ریشه درون مرزی و برون مرزی دارند که در زیر بصورت هرچند مختصر به تشریح و عوامل موثر در ایجاد این تهدیدات از منظر تحقیقات صورت گرفته و همچنین مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته با کارشناسان پرداخته شده است.

– قاچاق کالا و مشروبات

معضل قاچاق کالا و مشروبات الکلی هرچند در شهرهای مرزی استان، بعنوان مبادی ورودی استان رخ می‌دهد اما سایر شهرهای استان به انحاء مختلف در آن درگیر هستند، این امر منشاء چالش‌ها و آسیب‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به تبع آن سیاسی بوده که در برهه‌های خاص زمانی در حد تهدیدی علیه امنیت ملی مطرح شده‌اند. هرچند حجم قاچاق کالا در گُردستان به تنهایی نمی‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب شود اما در نظر گرفتن استان بعنوان یکی از قطبهای قاچاق کالای کشور و حجم ۲۰ میلیارد دلاری سالانه قاچاق کالا در کشور که در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصدی فعالیتهای اقتصادی را به خود اختصاص داده است (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۹: ۷۰)، موجب اهمیت و طرح موضوع قاچاق کالا در زمره تهدیدات امنیتی می‌شود این اهمیت وقتی آشکارتر می‌شود که بدانیم؛ بر اساس سخنان محمدمصدق مفتاح قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت، قاچاق کالا سالانه ۲۰۰ هزار فرصت شغلی را از بین برده و یکهزار و هشتصد میلیارد تومان نیز فرار مالیاتی را در

طول سال به همراه خواهد داشت (تهران امروز، ۱۳۹۲: ۶). قاچاق کالا در این حجم وسیع ضمن ایجاد اختلال در فعالیتهای اقتصادی سالم، ضربات شدیدی به تجارت قانونی و واحدهای صنعتی و تولیدی مشابه کشور وارد می‌کند. دخیل شدن سرمایه هنگفت در امر خرید و فروش کالای قاچاق، هزینه سرسام آور مادی و معنوی مبارزه با آن، صرف بودجه و اتلاف وقت، و روی آوردن قشر قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور به این گونه فعالیت‌ها، از دیگر معضلاتی است که به شدت اقتصاد ملی را تحت تاثیر قرار داده و با فراهم کردن موجبات ورشکستگی صنایع و کارخانجات تولیدی مشابه داخلی، عدم تادیه حقوق دولتی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران در فعالیتهای سالم اقتصادی، بیکاری میلیونها نفر را رقم زده است (حسینیان، مجیدی و مختار رضایی، ۱۳۸۸: ۵۳) که تهدیدی جدی علیه امنیت ملی در ابعاد اقتصادی، سیاسی محسوب می‌شود. در ارتباط با عوامل موثر بر رشد و گسترش قاچاق کالا در گُردستان تحقیقات زیادی انجام گرفته است که بطور کلی به عواملی از قبیل، بیکاری، فقر، محرومیت و بطور کلی توسعه‌نیافتگی و ناموزونی توسعه در ایران به همراه توپوگرافی مناطق مرزی، بی‌ثباتی در کشور همسایه، تفاوت سیاست‌های اقتصادی و پیوندهای خویشاوندی دو طرف مرز و ... اشاره داشته‌اند (شاطریان، اشنویی و گنجی‌پور، ۱۳۹۳: ۹۲؛ بابائی، صادقی، زینالی، ۱۳۹۰: ۲۳ و اصلانی، احمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

– واگرایی قومی و مذهبی در قالب گروهک‌های شبه نظامی

از دیگر مسائلی که طی سده اخیر بویژه بعد از انقلاب بعنوان یکی چالش‌های امنیتی در ایران مطرح بوده است فعال شدن شکافهای متقاطع قومی و مذهبی است که در برهه‌های خاصی از زمان مخصوصاً هنگام ضعف دولت مرکزی، امنیت وجودی ایران را در معرض تهدید قرار داده است؛ نمونه‌های آن را می‌توان در دهه ۱۳۲۰ و اوائل انقلاب مشاهده نمود که تا حد تجزیه ایران پیش رفت. البته این تهدیدات هنوز هم گاه و بی‌گاه فعال شده و منجر به ایجاد بحرانهای سیاسی و امنیتی برای کشور شده است. قوم گُرد نیز که بعنوان یکی از اصیلترین اقوام آریایی با اختصاص دادن ۷ الی ۹ درصد جمعیت ایران به خود در مرزهای غربی کشور در چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه

و ایلام، سکونت داشته، مانند سایر اقوام مرزنشین دارای شکاف قومی و مذهبی با سایر مناطق ایران بوده و که این شکافها تحت شرایط خاص زمانی و سیاستهای دولت از حالت غیر فعال به فعال درآمده است و بعنوان یک چالش امنیتی مطرح شده است. در محافل علمی و اجرایی کشور تحقیقات فراوانی در ارتباط با بحران‌های قومی، ناسیونالیسم قومی و علل واگرایی قومی بویژه قوم گُرد صورت گرفته است که هر کدام از منظری خاص به بررسی آن پرداخته‌اند و به نتایج مختلفی نائل آمده‌اند. در زیر به بررسی تعدادی از تحقیقات صورت گرفته توسط محققین کرد(نگاه از درون) و پژوهشگران غیربومی (نگاه از بیرون) به صورت هرچند مختصر پرداخته شده است.

محمدزاده و مرادی (۱۳۹۲) در تحقیقی پیمایشی به بررسی علل و عوامل موثر بر واگرایی قومی در ۵ شهرستان استان کردستان پرداخته‌اند که در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که بین احساس محرومیت و تبعیض در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حس واگرایی در قوم گُرد ارتباط معنی داری وجود دارد به این معنی که هرچه احساس محرومیت و تبعیض در بین شهروندان بیشتر شود واگرایی نیز بیشتر خواهد شد. مقصودی (۱۳۸۰) نیز در کتاب "تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها" باروشی تاریخی و اسنادی به بررسی علل و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی بروز تحولات قومی در ایران دوره معاصر، پرداخته است در پایان به این نتیجه رسیده که هشت عامل و زمینه اصلی در ظهور بحرانهای قومی موثر است که عبارتند از؛ دوران گذار در عرصه داخلی و بین‌المللی، کاهش قدرت حکومت مرکزی، نقش ابرقدرت‌ها، گزینش عقلانی، نقش نخبگان قومیت‌ها، احساس محرومیت نسبی، ساخت نابرابر اجتماعی، موقعیت جغرافیایی مناسب. همچنین در تحقیقات دیگری به عواملی از قبیل تشکیل حکومت گُردی در عراق و تبدیل شدن آن به الگوی آرمانی در میان گُردهای ایران، پیوستگی قومی آنها با کردستان عراق، سوریه، ترکیه و آذربایجان، به همراه توسعه نیافتگی مناطق گُرد نشین و بحران توزیع منابع، امکانات و فرصت‌های شغلی، اتخاذ استراتژی سخت افزاری در کنترل مرزها و امنیت این مناطق (پیشگاهی فر و نصراللهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۵-۱۹۰ و چوخاچی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰۳-۱۹۹) دیدگاه‌های

تهدید محور توأم با بدبینی و سوء تفاهم به مناطق کُرد نشین (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۹) بعنوان چالش‌های امنیتی و عوامل اصلی در واگرایی قوم کُرد، اشاره شده است. البته علاوه بر شکاف قومی، در کردستان شکاف مذهبی نیز وجود دارد که در سال‌های اخیر تحت تاثیر فعالیتهای سیاسی، نظامی و رسانه‌ای گروههای مذهبی تندرو در جهان اسلام، در قالب جریان سلفیت اعتقادی و جهادی نمود یافته و آسیب‌ها سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به کردستان تحمیل نموده است؛ بویژه با ظهور داعش در عراق و سوریه، اهمیت خطر سلفیت جهادی بیش از پیش احساس می‌شود. در بروز و فعال شدن شکاف مذهبی در قالب تهدیدی بنام سلفیت جهادی علاوه بر عوامل خارجی مذکور، عوامل داخلی نیز نقش داشته است که بعنوان بستر و زمینه عوامل خارجی، از اهمیت شایانی برخوردارند. مشاهدات میدانی نگارندگان در سطح شهرستان سنندج حاکی از آن است که گرایش به جریانهای تندرو مذهبی عمدتاً در مناطق حومه شهر که از لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی در طبقه پائین قرار دارند، بیشتر است و می‌توان چنین استدلال کرد که خاصیت و کارکرد تسکین دهنده (فقر و وضعیت نامناسب زندگی) برخی از اصول اعتقادی سلفیت، موجب رسوخ در بین این قشر شده است و از آنجائیکه معمولاً سطح تحصیلات اکثر اعضای این طبقه و خانواده‌های آنها، پائین است نفوذ این خوانش از اسلام در میان این طبقه راحتتر است از طرف دیگر بنابه اعتقاد تامپسون هرگاه در میان یک گروه مذهبی یا قومی احساس حذف و تحمیل فرهنگی صورت بگیرد که ناشی از حضور نامتعادل فرهنگ‌های حاضر در منطقه است بحران ارزشی به وجود می‌آید (صحفی، ۱۳۸۰: ۱۰۷) که این بحران به همراه فقر و محرومیت و فعالیت‌های تندروهای مذهبی برون مرزی، میتواند به ظهور گروه‌هایی مانند سلفیت جهادی منجر شود.

همانطور که مشخص است توسعه نیافتگی استان کردستان شاخصه‌های آن از عوامل اصلی جرایم و چالش‌های امنیتی در استان کردستان محسوب می‌شوند. براساس آمار وزارت صنایع و معادن استان کُردستان از لحاظ میزان توسعه صنعتی در میان استانهای کشور، بعد از دو استان کُردنشین همجوار خود یعنی آذربایجان غربی (۲۶) و کرمانشاه (۲۵) در رده بیست و هفتم قرار دارد (به نقل از: امید، ۱۳۹۲: ۱۳۰) و

همچنین رتبه ۳۱ استان کردستان در میان ۳۲ استان کشور در پیمایش سنجش فضای کسب و کار در استانهای کشور، که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۹۳ صورت گرفت (به نقل از سلطانزاده و گلستان، ۱۳۹۴: ۵۹) که همگی نشان از قرار گرفتن استان کردستان در رده استان‌های توسعه نیافته (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸) یا استان‌های فروتوسعه (شامل سه استان کردستان، ایلام و سیستان و بلوچستان)، را دارد (لیلین، رخشانی نسب و رمضانزاده، ۱۳۹۱: ۹۵)، در استان کردستان صنایع بزرگ و مادر وجود ندارد و ۹۰ درصد واحدهای صنعتی استان نیز جزء صنایع کوچک با کمتر از ۵۰ نفر کارگر هستند (کل واحدهای صنعتی استان ۳۲۶ واحد می‌باشد)، که بیشتر از ۷۰ درصد این واحدهای فعال و نیمه فعال دارای مشکلات اقتصادی هستند (حسینی، ۱۳۹۴) فارغ از توسعه نیافتگی کلی ایران، رشد سریع و نامتقارن شاخص‌های توسعه‌ای، باعث عدم تعادل اقتصادی و نابرابری معیشتی میان مناطق و استان‌های مختلف شده که منشاء آسیب‌ها و چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای کشور بوده است. این نوع توسعه فارغ از نگاه امنیتی، نتیجه نفوذ نظریه‌هایی مانند قطب رشد در میان سیاستگذاران ایرانی در چند دهه گذشته بوده است. طبق این نظریه؛ توسعه همه جا و در یک زمان اتفاق نمی‌افتد، بلکه ابتدا با شدت متفاوت در قطب‌های توسعه ایجاد شده و سپس در کانال‌های مختلف پخش و نهایتاً کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد به عبارت دقیقتر برای رشد و توسعه کشور، باید به دنبال گسترش صنایع در شهرهای بزرگ بود. نمود عملی این دیدگاه را می‌توان در برنامه چهارم توسعه (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم توسعه (۵۶-۱۳۵۲) ایران یافت که عمده صنایع بزرگ علاوه بر تهران در شهرهایی مانند اصفهان، اراک، اهواز و تبریز ایجاد گردید و این شهرها را به قطب‌های صنعتی ایران تبدیل نمود، اما برخلاف انتظار آنچه که تاکنون تحقق نیافته تسری توسعه یافتگی از قطب‌ها به سایر مناطق بوده و بلعکس روز به روز شکاف میان این قطب‌ها و سایر مناطق بیشتر شده است. این سطح از محرومیت و بحران توزیع به همراه آگاهی از آن که ماحصل توسعه ارتباطات است، سبب شکل‌گیری احساس محرومیت، تبعیض در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در میان نخبگان و سایر مردم

استان شده که این امر با فراهم بودن زمینه‌هایی از قبیل پیوستگی قومی — مذهبی با کشورهای همجوار، تشکیل الگوی آرمانی حکومت اقلیم کردستان، مرزی بودن، وضعیت سیاسی و اقتصادی گردهای همجوار و همچنین الگوها و سیاستهای مدیریت تنوع قومی و مذهبی در ایران، سبب شکل‌گیری نوعی از هویت مقاومت مدنظر کاستلز در میان عوام و خواص استان کردستان شده است که در برهه‌هایی از زمان که جامعه مدنی کارکرد خود را از دست داده، این آسیب‌ها به تهدیداتی علیه امنیت ملی کشور تبدیل شده است به عبارت دقیقتر بحران توزیع در کنار اختلال رابطه‌ای در حوزه سیاسی و فقدان جامعه مدنی این واگرایی را به سمت اعمال اقدامات زیرزمینی و گروهکهای شبه نظامی خواهد کشانده است. بنابراین توسعه نیافتگی بعنوان یکی از علل اصلی شکل‌گیری جرایم و تهدیدات امنیتی مرزی در استان کردستان محور بحث پژوهش حاضر قرار گرفته و نگارندگان ضمن اذعان به ضرورت بهره‌گیری همزمان از منابع داخلی و خارجی توسعه، تاکید خود را بر منابع خارجی گذاشته‌اند که این امر مستلزم بهره‌گیری از دیپلماسی است و همانطور که ذکر شد پیگیری منابع خارجی توسعه با توجه به استلزامات استانی خارج از توان دستگاه وزارت خارجه است لذا دیپلماسی استانی بعنوان ابزار بهره‌گیری از منابع بین‌المللی و داخلی توسعه پیشنهاد شده است. دیپلماسی استانی دوسطح ملی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد که حوزه بین‌المللی در سه سطح میکرودیپلماسی منطقه‌ای فرامرزی، میکرودیپلماسی فرمانطقه‌ای و پارادیپلماسی جهانی قابل پیگیری است.

۸. جایگاه دیپلماسی استانی در توسعه و ارتقای امنیت مرزی

۸-۱. دیپلماسی استانی در سطح ملی

منظور از این نوع دیپلماسی، گسترش همکاری‌ها با سایر استان‌ها، شهرها، ادارات و نهادهای صنعتی کشور می‌باشد. این سطح از دیپلماسی عمدتاً در ابعاد اقتصادی - صنعتی و عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و گردشگری نمود می‌یابد. در قالب این سطح از دیپلماسی می‌توان به معرفی جذابیت‌های سرمایه‌گذاری و گردشگری استان از طریق دعوت از سرمایه‌داران و مسئولین سایر استانها یا برپایی نمایشگاه‌های اقتصادی،

فرهنگی و گردشگری و رسانه‌های استانی و ملی، پرداخت به عبارتی جذب گردشگر و سرمایه‌گذاران به استان مهمترین هدف این سطح از دیپلماسی است. در این زمینه مرزی بودن استان کردستان و ارائه تسهیلات و امکانات ویژه در ارتباط با سرمایه‌گذاری و تسهیلات تجاری، نیروی کار ارزان و... می‌تواند در جذب سرمایه‌گذار مفید واقع گردد و در بحث گردشگری از مزیت بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت استان و جاذبه‌های طبیعی مانند مناطق اورامانات، دریاچه زریوارو آثار باستانی موجود در استان بهره‌بردار، هرچند که نمی‌توان از پتانسیل گردشگری تجاری استان چشم‌پوشی کرد.

۲-۸. دیپلماسی استانی در سطح بین‌المللی

همانطور که ذکر شد دیپلماسی استانی در عرصه بین‌المللی دارای سه سطح است که تاکید اصلی پژوهش حاضر در دو سطح اول آن یعنی میکرودیپلماسی منطقه‌ای فرامرزی، میکرودیپلماسی فرامنطقه‌ای که همان "تماس بین واحدهای غیرمرکزی مستقر در طول مرزها در دولتهای مختلف"، "تماس بین واحدهای غیر مرکزی بدون مرز مشترک، اما مستقر در دولتهای همسایه" است علت این تاکید نیز وجود اشتراکات فرهنگی و قومی استان کردستان با واحدهای فرامرزی همجوار است که از نظر اندیشمندان منطقه‌گرایی یکی از عوامل اصلی توسعه و تعمیق همکاریهای فرامرزی می‌باشد به عبارتی در این سطح به همکاری میان استان کردستان و مناطق کردنشین در کشورهای همسایه بویژه اقلیم کردستان اشاره خواهد شد.

پتانسیل‌های توسعه همکاری بین کردستان و اقلیم کردستان:

— اشتراکات تاریخی و تمدنی مناطق کردنشین تر با ایران: کردستان فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه است که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد، این منطقه مرتفع بخش‌هایی از غرب و شمال غربی ایران، مشرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق و سوریه و غرب قفقاز را در بر می‌گیرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۰) در ارتباط با وسعت این منطقه آمارهای متفاوتی وجود دارد لازریف وسعت کردستان را ۵۰۵ هزار کیلومتر مربع ذکر می‌کند در حالی که حافظنیا

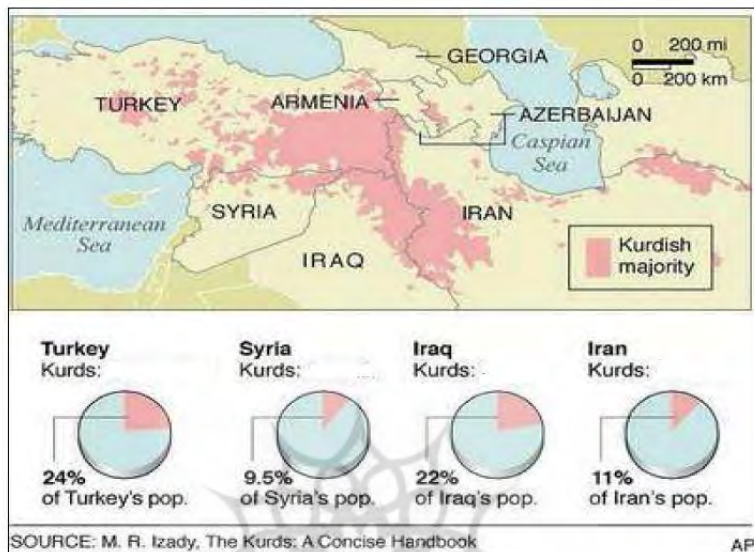
مساحت کردستان را ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع ذکر می‌کند: (محمدی، خالدی و سلیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۵) کردستان تا قبل از جنگ چالدران، بطور کامل جزو امپراتوری ایران بوده است بعد از شکستهای صفویان از امپراتوری عثمانی در جنگ چالدران بیش از دو سوم مناطق کردنشین از ایران جدا و به خاک عثمانی منظم گردید که طی قرارداد زهاب در سال ۱۶۳۹ میلادی این انضمام رسمیت یافت (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۵۶) هرچند که تا پایان عمر صفویان، عثمانی‌ها کل کردستان را تصرف کرده و تا همدان پیشروی نمودند اما نادر شاه افشار آنها را تقریباً تامرزه‌های فعلی عقب راند. بعد از جنگ جهانی دوم و تجزیه امپراتوری عثمانی مناطق کردنشین امپراتوری عثمانی بین سه کشور تازه تاسیس ترکیه، عراق و سوریه تقسیم گردید که در شکل شماره ۳ پراکنش کردها در کشورهای منطقه بخوبی مشخص شده است. علاوه بر اشتراکات تاریخی - سیاسی، از لحاظ نژادی نیز شاهد پیوند بین کردها و سایر اقوام ایرانی هستیم؛ هرچند در مورد نژاد کردها اختلاف نظرهایی وجود دارد از نظر مینورسکی سیرتی‌ها اجداد کردهای فعلی هستند که قبل از ورود مادها در محدوده کردنشین فعلی سکونت داشتند. زکی بیگ نیز احتمال آریایی بودن کردها را بسیار ضعیف دانسته؛ از نظر وی احتمال اینکه مردمان بومی قدیمی زاگرس^{۱۲} اجداد کردها باشند بسیار بیشتر است و همه ریشه بودن لفظ کُرد با الفظی چون کورتی، کاردو، کارداک، کوریتوی، سیری و کاردخوی - که در الواح باقی مانده از زمان آشوریان دیده می‌شود - این احتمال را بیشتر می‌کند. دسته دیگری مانند نیکیتین کردها را آریایی می‌داند؛ او مانایی‌ها را، که اجداد مادها بوده و در شمال غرب ایران می‌زیستند اجداد مشترک کردها و آذریها می‌داند (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۶) اکثر پژوهشگران کُرد نیز آریایی و ماد بودن کردها را محتمل‌تر دانسته‌اند. کاوش‌های باستانشناسی، زبانشناسی و تاریخی نیز این ادعا را که کردهای امروزی نمایندگان مادها و سومین سلطنت شرق هستند را تأیید می‌کند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۸۹) از لحاظ زبانی نیز پرفسور میشل مارب در کتاب "زبان‌های مردم جهان" زبان کُردی را در کنار زبان فارسی بعنوان زیرشاخه‌های زبان ایرانی معرفی

۱۲. این بومیان عبارتند از لولو(حوالی سلیمانیه و شماره زور امروزی می‌زیستند) و گوتی، کاسای(کرمانشاه و لرستان فعلی محل سکونت این قوم بوده)،سوبار و هوری و...

نموده است (مالرب، ۱۳۸۶) تاثیرات این پیوند نژادی و قومی را در اظهارات فاضل میرانی دبیرکل سیاسی حزب دموکرات کردستان عراق می‌توان بخوبی درک کرد؛ وی ضمن غیر قابل انکار بودن اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی بین کردها با سایر ملل ایرانی و آریایی بودن کردها؛ معتقد است که این پیشینه و اشتراکات در ذهن و باور مردم کُرد عراقی و ایرانی نیز نقش بسته است و تاثیر بسزایی در گرایش به افزایش روابط در میان دو طرف را ایجاد کرده است (میرانی، ۱۳۹۱) این نوع نگرش در میان اکثر سیاستمداران کُرد به کرات مشاهده شده است که در تسهیل ارتباط میان آنها با ایران موثر بوده است.



شکل شماره ۳. پراکنش کردها در منطقه



منبع: محمدی، خالدی و سلیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۰

— روابط خویشاوندی میان کردهای عراق با کردهای ایران: یکی از تبعات مرزهای تحمیلی و پیوستگی قومی و نژادی در مرزهای کردنشین ایران، ارتباطات گسترده ساکنان دوسوی مرز و به تبع افزایش نسبت خویشاوندی و فامیلی بین ساکنان دوسوی مرز است که این امر ضمن احساس نزدیکی بیشتر موجبات تسهیل در مبادلات اقتصادی، تجاری و فرهنگی را چه در قالب پیله‌وری یا تعاونی و در مقیاس بالاتر شرکت‌های صنعتی و تجاری فراهم می‌آورد.

— آشنایی بیشتر مردم کرد عراقی به زبان فارسی: علاوه بر ریشه زبانی مشترک، پناهنده شدن صدها هزار کرد عراقی به ایران در دوره رژیم بعث، سبب آشنایی آنها با زبان فارسی شده است بطوریکه بخش قابل توجهی از مردم کرد عراقی زبان فارسی را به راحتی صحبت می‌کنند و یا حداقل می‌فهمند و از آنجایی که زبان وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد و در عین حال در روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت‌های مختلف، ایفاگر نقشی اساسی است،

می‌تواند زمینه‌های همکاری بیشتر را فراهم نماید.

— ارزان و در دسترس تر بودن ایران نسبت به دیگر کشورها: از نظر فاضل میرانی یکی از عوامل گسترش ارتباطات میان ایران و اقلیم، پائین بودن قیمت‌ها و هزینه‌ها در ایران نسبت ترکیه، کشورهای عربی و حتی مناطق عرب نشین خود عراق، است لذا استقبال کرده‌های عراقی از سفر به ایران بسیار بیشتر و خوشایندتر از سفر به مناطق مذکور است که منجر به برقراری روابط اجتماعی، علمی و کاری بیشتری بین شهروندان دو سوی مرز شده است "در همین زمینه می‌بینیم تعداد قابل توجهی از دانشجویان و اساتید ما در ایران مشغول ادامه تحصیل و انجام تحقیقات علمی هستند و برخی از مردم ما در ایران به کارمندی و یا کار در کارخانجات ایرانی مشغول هستند، بخش قابل توجهی هم برای سیاحت و گردشگری وارد ایران می‌شود و بخشی دیگر نیز برای استفاده از توان بالای پزشکی ایران و درمان بیماری‌هایشان به ایران می‌آیند" (میرانی، ۱۳۹۱)

— استفاده از دوستی چند ده ساله تهران با سران فعلی اقلیم: هنگامی که صدام و دستگاه امنیتی‌اش، تقریباً تمام روزهای ریاست جمهوری‌اش در عراق، به دنبال طالبانی‌ها (اتحاد میهنی‌ها) و بارزانی‌ها (دموکرات‌ها) به عنوان دو حزب سیاسی مخالف صدام بودند، سران و اعضای ارشد این حزبها راهی جز پناهنده شدن به ایران نمی‌دانستند. آنها سال‌ها بدون کوچک‌ترین مشکل امنیتی در شهرهای ارومیه، سنندج و تهران سکنی گزیدند و زندگی عادی خود را در پی گرفتند. با عنایت ویژه مقامات نظام، تحصیلات دانشگاهی مورد علاقه‌شان را گذراندند و به اپوزیسیونی منسجم و سازمان یافته در خارج از مرزهای عراق علیه صدام تبدیل شدند. همین اعضای ارشد و سران اپوزیسیون در روزهای سرنوشت ساز پس از سقوط صدام، در اکثر پست‌های کلیدی نظام جدید از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب عراق قرار گرفتند. این دو حزب، هیچ وقت هزینه‌هایی که ایران از بابت اعطای پناهندگی به اعضای ارشدشان را متحمل شد انکار نمی‌کنند و قدردان زحمات مقامات تهران هستند. وجود چنین پیوند عمیقی می‌تواند ثمرات ارزشمند استراتژیکی را در جهت تعدیل موازنه قوا در عرصه داخلی عراق (خصوصاً در رابطه با مراودات اقلیم و دولت مرکزی) اقلیم کردستان به نفع ایران ایفا

نماید (حق پناه، ۱۳۹۲: ۲۷). مثلاً دستور جلال طالبانی برای فراهم کردن بهترین تسهیلات و امکانات برای طرف ایران (شرکت‌های صنعتی، تجاری، ساختمان و راه و ...) در سلیمانیه (www.iieda.gov.ir/?p=۲۷۸۲) یا مواردی از این قبیل که فراوانند.

علاوه بر موارد فوق حمایت‌های ایران از گروه‌های اقلیم در طول جنگ با رژیم بعث از جمله پناه دادن به یک میلیون کُرد کمک‌های فراوان لجستیکی و مشاوره‌ای به احزاب کُردی، مداوا و درمان زخمی‌ها در بیمارستان‌های ارومیه، تهران و چند شهر دیگر، اشاره نمود همچنین بعد از سقوط صدام حسین ایران اولین کشوری بود که با دایر کردن کنسولگری در اربیل آنها را به رسمیت شناخت و اخیراً نیز با حمله داعش با اقلیم طبق اظهارات نچیروان بارزانی، ایران نخستین کشوری بود که با اقدامات تاثیرگذاری همچون اعزام مشاورین نظامی و ارسال سلاح و تجهیزات به کمک کردهای عراقی شتافت و نقش بارزی در شکست داعش و جلوگیری از تصرف اربیل بازی کرد. هرچند این حمایتها در راستای مقابله با دشمن مشترک و اهداف استراتژیک ایران در منطقه صورت گرفته باشد اما تصویر مثبتی از ایران در ذهن مردم و نخبگان سیاسی اقلیم کُردستان ایجاد نموده است. علاوه بر این محمدصدیق جگرخوین جانشین نماینده اقلیم در ایران معتقد است؛ اقلیم از با فقدان حضور موثر ایران در اقلیم چندان منتفع نخواهد شد؛ چراکه عدم حضور ایران در اقلیم، گزینه‌های استراتژیک آن را محدود و دسترسی‌های آن را در سیاست توازن راهبردی در روابط با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کمتر می‌کند؛ در مقابل ایران نیز بدون مراد با اقلیم در پیشبرد سیاستهای خود در عراق با مشکل مواجه خواهد شد (جگرخوین، ۱۳۹۳: ۱).

اشتراکات تاریخی، نژادی، فرهنگی و زبانی بین مناطق کُردنشین همجوار در ترکیه و عراق و حتی سوریه با ایران متغیر مثبتی در توسعه روابط و همگرایی محسوب می‌شود که از نظر کانتوری و اشیپگل عامل مهمی در تعمیق همکاریها محسوب می‌شود و نظریه پردازان نئوکارکردگرایی و مبادلات گام اول همگرایی نیز همین عرصه فرهنگ سیاست سفلی است که بتدریج به همکاری و همگرایی در سیاست والا منجر خواهد شد کارل دویچ معتقد است که توسعه ارتباطات فرهنگی زمینه با هم فکر کردن و دیدن را برای یک گروه مهیا می‌سازد و علاوه بر آن در صورت داشتن خاطراتی

مناسب از ارتباطات گذشته، این موضوع می‌توان مودت و دوستی را بین گروه‌ها حکمفرما نماید. به باور دویچ مبادلات فرهنگی بین چند کشور علل مقدمی شکل‌گیری همگرایی است، اما برای ایجاد همگرایی کافی نیست بنابراین مسافرت، داد و ستد بازرگانی و ارتباطات بلند مدت به خودی خود منجر به شکل‌گیری فضای همکاری مؤثر سیاسی و اقتصادی می‌شود که در آن مناسبات به صورت مطلوب و روان شکل می‌گیرد. لکن بدون زمینه‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی و درک متقابل چنین روابطی در ایجاد احساس تعلق یک جامعه نا کام می‌ماند (شیرزادی، ۱۳۷۸، ۱۵)

مذکور از نظر اندیشمندان روابط بین الملل زمینه را برای توسعه همکاری و همگرایی فراهم نموده است. نمود این ادعای اندیشمندان همگرایی را می‌توان در اظهارات خود فاضل میرانی بخوبی مشاهده کرد؛ "به دلیل حمایت‌های ایران از مردم و احزاب سیاسی اقلیم کردستان و همچنین اشتراکات تاریخی و تمدنی و پیوند قومی در دوسوی مرز ما همواره تمایل به گسترش همکاری‌ها در تمامی بخشها با ایران را داریم و در در حالت برابر ما علاقه داریم شرکت‌های ایرانی نسبت به دیگر شرکت‌ها در پروژه‌های مهم کردستان عراق حضور پیدا کنند، اما از جمله مشکلاتی که در روابط اقتصادی با ایران داریم عدم حضور کافی شرکتهای قوی ایرانی در کردستان عراق که باعث شده شرکتهای ضعیف ایرانی فرصت جولان پیدا نموده و علی‌رغم قراردادهای خوبی که با آنها امضا کرده‌ایم پروژه‌هایی را که به دست گرفته‌اند یا اصلاً انجامش ندادند یا نیمه کاره رها کردند و یا کیفیت لازم را نداشت. یعنی شرکتهایی که آمدند قدرت انجام تعهداتی که بر عهده گرفتند را نداشتند و بیشترشان به ایران بازگشتند؛ همچنین نوسان ریال از دیگر مشکلات کاهش تبادلات و ارتباطات اقتصادی میان دو طرف است (میرانی، ۱۳۹۱) بنابراین بر پایه نظریه مبادله، تشابه فرهنگی می‌تواند نقش عمده‌ای را در همگرایی ایران و اقلیم ایفا نمایند که از دو طریق چالش‌های امنیتی را در کردستان به حداقل برساند اول اینکه از بازار بکر اقلیم عراق در راستای توسعه مناطق مرزنشین غربی بویژه استان کردستان بهره برداری نماید دوم تقویت و تعمیق همکاریهای اقتصادی و فرهنگی و تسری آن به همکاری‌های سیاسی و امنیتی.

ناظم دباغ نماینده اقلیم کردستان؛ نیز در ارتباط با راهکارهای ارتقای امنیت در منطقه و مرزهای اقلیم با ایران، ضمن اعتقاد به ایجاد یک مرکز واحد امنیتی مانند اتحادیه اروپا و یا کمیته‌های مشترک امنیتی جهت حل مسائل امنیتی معتقد است که توسعه ارتباطات و کمرنگ کردن مرزها می‌تواند موجبات همگرایی در تمامی زمینه‌ها بین ایران و عراق را فراهم نماید و به ایجاد یک هویت مشترک و در نتیجه ارتقای امنیت دو کشور کمک نماید. البته راه دیگر افزایش همگرایی و به تبع آن ارتقای امنیت از نظر ناظم دباغ تقویت و توسعه مبادلات اقتصادی است که قبل از حمله داعش میزان مبادلات بین اقلیم و ایران ۵ میلیارد دلار در سال بود اما تحت تاثیر آثار سوء حضور داعش در منطقه و همچنین کاهش کیفیت کالاهای ایران این میزان به حدود ۲/۵ میلیارد کاهش یافته است که این میزان با توجه به جایگاه ایران در منطقه و در مقایسه با رقبای منطقه‌ای خود پائین می‌باشد، هرچند که با ایجاد اتاق‌های بازرگانی بین استانهای اقلیم با کرمانشاه، تهران، اصفهان، تبریز و ارومیه سعی در ارتقای آن شده است اما از نظر وی ایجاد مناطق آزاد تجاری در مناطق مرزی می‌تواند به ارتقای همکاری‌های اقتصادی منجر شود که در اقلیم کردستان این کار صورت گرفته است اما از آنجایی که در ایران اقدامی صورت نگرفته است، این اقدام نیز بی‌نتیجه مانده است. اقدام دیگری که از نظر وی در ارتقای میزان مبادلات و همگرایی تاثیرگذار است، افزایش و جایگزینی فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی در قالب شرکت‌ها بجای پیله‌وری، است؛ معمولاً استاندارهای مناطق مرزی برای ایجاد شغل برای مردم مناطق مرزی، فعالیتهای پیله‌وری را تشویق می‌کنند؛ یعنی تشویق می‌کنند که مردم به صورت فردی به مبادلات اقتصادی در مناطق مرزی دست بزنند و داد و ستد داشته باشند و چون فعالیت پیله‌وری، اقدامی رسمی و شفاف نیست، شرکتها و بازرگانان اقلیم به سوی ترکیه حرکت کرده‌اند، چون فعالیت در ترکیه غالباً به صورت شرکتی و شفاف صورت می‌گیرد (دباغ، ۱۳۹۴: ۱۰). بنابراین توسعه و تعمیق مبادلات اقتصادی بصورت هدفمند و موثر می‌تواند از راهکارهای ایجاد هویت مشترک به تبع آن ارتقای امنیت تلقی گردد و علی‌رغم پتانسیل‌های فراوان ایران تاکنون نتوانسته به درستی از آن استفاده نماید و این فرصت را به ترکیه و سایر کشورها واگذار نموده است.

ظرفیتهای اقلیم برای توسعه کردستان

هرچند که استان کردستان به دلیل توسعه نیافتگی و فقر مفرط صنعتی و اقتصادی خود نمی‌تواند آنچنان که شایسته و بایسته استان است از پتانسیل‌ها و مزایای مذکور در جهت توسعه ارتباطات با مناطق گردنشین همجوار بهره‌برد، اما در صورت مدیریت هوشمند و دیپلماسی هدفمند، از اندک ظرفیتهای موجود نهایت بهره‌برد. از جمله ظرفیتهای اقلیم کردستان می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

کردستان عراق بیش از ۸۳ هزار کیلومتر مربع وسعت - اقلیم کردستان به پایتختی شهر هه‌ولیر (اربیل) ۴۰۶۴۳ کیلومتر مربع وسعت دارد - و جمعیتی نزدیک ۵ میلیون نفر دارد. براین اساس حکومت اقلیم کردستان به لحاظ وسعت ۴ برابر لبنان و بزرگتر از هلند می‌باشد (محمدی و خالدی و سلیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۷) این مناطق بواسطه سالها درگیری با رژیم بعث و حملات نظامی، از لحاظ وضعیت از لحاظ اقتصادی، صنعتی، عمرانی، آموزشی و... در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد به عبارتی دیگر اقلیم کردستان بر ویرانه‌های دوران حکومت بعث بنا نهاده شده است که برای بازسازی و حتی تداوم حیات نیاز همه جانبه به محیط پیرامون خود دارد و این سطح از نیاز با این میزان از جمعیت فرصت مناسبی را برای کالا، خدمات تولید کنندگان کردستان مهیا نموده است که می‌تواند در صورت استفاده بهینه با حمایت ملی و دیپلماسی هوشمندانه و هدفمند دیپلماتهای استانی زمینه ساز توسعه پایدار استان کردستان را فراهم نماید.

یکی از نقاط قوت طبیعی استان کردستان بخش زراعی، باغی و دامی است که اتفاقاً در اقلیم کردستان تحت تاثیر وضعیت جنگی و سرکوب توسط رژیم بعث از جمله نیازهای اساسی آنها تلقی می‌شود. از این ظرفیت هم می‌توان به صورت صادرات مواد خام استفاده نمود و هم با ایجاد صنایع تبدیلی و بسته بندی در کردستان بصورت صنعتی صادر شوند و البته نیاز اقلیم به ابزارهای مکانیزه کردن کشاورزی و تجارب علمی و عملی کشاورزی می‌تواند فراهم کننده زمینه فعالیت شرکت‌های خدماتی - صنعتی - آموزشی کردستانی در حوزه کشاورزی باشد که تعداد زیاد فارغ التحصیلان بخش کشاورزی کردستان این امر را تسهیل می‌نماید. البته گاهاً بی‌ثباتی در باز و بسته

بودن مرز، تعرفه‌های صادراتی و عدم تطابق با استانداردهای مورد نیاز اقلیم موجبات سردرگمی و متضرر شدن تولید کنندگان کردستانی و از دست رفتن فرصت‌های بازار ۵ میلیونی اقلیم برای کردستان خواهد شد در صورتی که مدیران استانی اعم از استاندار و مدیر جهادکشاورزی استان می‌توانند ضمن اخذ بعضی از معافیت‌های تعرفه‌های صادراتی از دولت، با ارتباط گسترده و چانه زنی با مدیران مربوطه در اقلیم زمینه صادرات بخش کشاورزی و دامی استان را به مناطق گردنشین فراهم نمایند و همچنین به توجیه و آموزش کشاورزان و دامداران براساس نیازمندیها و استانداردهای مورد خواست اقلیم بپردازند از این طریق پتانسیل بالقوه و مزیت نسبی استان در بخش کشاورزی را بالفعل نموده و زمینه‌های توسعه و اشتغال کردستان را فراهم نمایند. در این راستا جدا سازی بخش اداره روابط بین‌الملل جهاد کشاورزی استان از اداره غیر مرتبط روابط عمومی ضروری به نظر می‌رسد تا به صورت تخصصی و دائمی پیگیر توسعه ارتباطات و صادرات با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. زمین حاصلخیز کشاورزی و جاذبه‌های گردشگری سلیمانیه از مزیت‌های است که جهادکشاورزی و میراث فرهنگی — برای توسعه این دو بخش می‌تواند نقش مهمی داشته باشند (عزتی و نانا، ۲۰۱۳: ۲۰). علاوه بر حوزه کشاورزی آسو فریدون، استاندار سلیمانیه به همراه هیئت همراه در استان کردستان در حوزه آموزشی خواهان ایجاد مراکز فنی حرفه‌ای در رشته‌های مختلف در سلیمانیه شده، ایجاد کارخانه خوراک و کشتارگاه صنعتی دام توسط سرمایه گذاران کردستانی، احداث بیمارستان ایرانی در اقلیم، استقرار شعبه بیمه ایران، انتقال برق از مریوان به سلیمانیه عراق، از دیگر درخواست‌های استاندار سلیمانیه در سفر به کردستان بوده است (www.iieda.gov.ir/?p=2793) با توجه به درخواست‌های هیئت مذکور، استان کردستان در حوزه آموزشی، بویژه از طریق تاسیس واحدهای فنی حرفه‌ای و علمی — کاربردی و همچنین مبادله استاد و دانشجو و توسعه همکاری‌های علمی و پژوهشی زمینه نفوذ و حضور همه جانبه شرکتهای صنعتی، آموزشی و خدماتی استان را در اقلیم فراهم نماید.

یکی دیگر از ظرفیتهای اقلیم که مسئولین استان می‌توانند از آن در جهت توسعه کردستان بهره برداری نمایند؛ حضور کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی در کردستان عراق

است. کردستان عراق به دلیل بودجه عظیمی که در اختیار دارد، سعی کرده که از بهترین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران برای توسعه خود بهره برد، به همین دلیل تقریباً در همه موارد شاهد حضور شرکت‌های تخصصی و مطرح جهانی هستیم. دیپلماتهای استانی از طروق مختلف یا بطور مستقیم و یا با واسطه مسئولین اقلیم کردستان به ضمن ارتباط با این کمپانی‌ها به معرفی پتانسیل‌ها و جذبه‌های سرمایه‌گذاری در استان کردستان بپردازند.

بطور کلی ایران ضمن برقراری ارتباط با اقلیم کردستان به ویژه از طریق گسترش تعاملات اقتصادی سرمایه‌گذاری در این حوزه که امنیت نسبی برقرار است و در درآمدت می‌تواند توسعه اقتصادی و رفاه کشور را در پی داشته باشد؛ می‌تواند از بازار اقلیم در راستای توسعه مناطق مرزی غرب کشور بهره برد و از این طریق از امنیتی شدن مطالبات کردها در ایران بکاهد، چرا که اخیراً نویسندگانی مانند پارسونز، اسلمر و باتلر مدعی شده‌اند که گسترش دامنه تمرکز بازار به از بین رفتن تعلقات قومی منجر خواهد شد و معتقدند هویت‌های قومی سنخیتی با مراکز فروش و داد و ستد ندارند از این رو معنای اجتماعی خود را از دست می‌دهند. تحرک مکانی گسترده کار - سرمایه - کالا و خدمات باید به همین ترتیب گروه‌های قومی را نسبت به تمرکز جغرافیای دلسرد ساخته و امکان جذب آنها را در نظم اجتماعی کلی تر فراهم سازند (عزتی و نانو، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

- دیپلماسی در عرصه جهانی: در این سطح نهادهای دولتی و غیر دولتی با ارتقاء همکاری با از امکانات و تسهیلات سازمانها و نهادهای جهانی در توسعه کردستان بهره ببرند و همچنین با جذب گردشگر به روند توسعه کردستان سرعت بخشند که این امر از چند طریق ممکن است؛ یکی از پتانسیل‌هایی که کردستان در می‌تواند در این سطح به آن تکیه کند، گردهای مقیم کشورهای غربی است که می‌توانند زمینه ساز جذب سرمایه و تکنولوژی به کردستان شوند. استانداری کردستان می‌تواند با توسعه همکاری با آنها، ضمن تشویق و دادن تضمین، به جذب سرمایه آنها در کردستان اقدام نماید، از طرف دیگر با سازماندهی این افراد در کار گروه‌های مختلف مالی، صنعتی، تکنولوژیکی و

فرهنگی به معرفی جاذبه‌های سرمایه‌گذاری و گردشگری کردستان در کشورهای مختلف بپردازد و یا از طریق برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و اقتصادی در کشورهای مذکور زمینه‌ساز انتقال گردشگر به کردستان و صادرات صنایع دستی کردستان به کشورهای اروپایی باشد. برقراری ارتباط با سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای خارجی در جهت معرفی پتانسیلهای اقتصادی و فرهنگی کردستان. برقراری ارتباط با سازمانهای تخصصی بین‌المللی که در زیر به چند مورد آن اشاره خواهد شد اما برقراری این ارتباط نیازمند زیر ساختهایی است که اولین مورد آن بکارگیری افراد توانمند آشنا به امور بین‌الملل و زبانهای زنده دنیا و همچنین ایجاد ساختار سازمانی جهت پیگیری اختصاصی ارتباطات بین‌المللی، هرچند که در چارت سازمانی تمامی ادارات، اداره روابط عمومی و بین‌الملل وجود دارد که صرفاً به روابط عمومی اختصاص یافته است.

سازمانها و نهادهای تخصصی مرتبط با دیپلماسی شهری

— **بانک جهانی:** این بانک برای رسیدن به اهداف دیپلماسی شهرها و با حمایت سازمان ملل، اقدام به پایه‌گذاری "موسسه جهانی دیپلماسی شهری" کرده است که سالانه همایشها و کنفرانسهایی در سطح جهان برگزار می‌کند و به مسایل شهری در این راستا می‌پردازند.

— **انجمن بین‌المللی صلح شهرداران مسنجر (IAPMC):** این فعالیت‌های خود را در زمینه‌های آموزش و پرورش جوانان، فرهنگ و فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، حفاظت از محیط زیست و حمایت از سازمانها و شهرهای آفریقایی برای کمک به توسعه پایدار و تحقق نقش مردم در سرنوشت خود، متمرکز کرده است.

— **سازمان شهرهای متحد و حکومت‌های محلی (UCLG):** این سازمان بزرگترین سازمان فعال در زمینه مدیریت شهری، شهرداری‌ها و حکومت‌های محلی است که بیش از یک هزار عضو از میان شهرها و اتحادیه‌ها و مجامع تخصصی شهری دارد. این سازمان در سال ۲۰۰۲ از طریق ادغام سازمان جهانی شهرهای متحد (UTO) و اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی (IULA) در شهر پاریس بنیانگذاری شد و مأموریت خود را ایجاد صدایی واحد و حمایت از حکومت‌های محلی دموکراتیک برای بهبود ارزشها، اهداف و منافع خود از طریق همکاری بین حکومت‌های محلی و در سطح

جامعه گسترده بین‌المللی معرفی کرده است.

— **سازمان گلوکال فروم:** این موسسه بین‌المللی در ۲۰۰۱ پایه‌گذاری شد و به راهنمایی موسسه‌ها و نهادهای ویژه و موثر در حوزه شهری می‌پردازد. افزون بر این، این موسسه در جهت ایجاد صلح و توسعه بین‌المللی برنامه‌ریزی می‌کند. سازمان گلوکال فروم بر نقش اصلی شهرها در ارتباط بین‌المللی از طریق دیدگاه جهانی، بر محلی شدن تأکید دارد و معتقد است شهرداران می‌توانند نقش دیپلمات‌های جدیدی را برای جهان داشته باشند. در اصل، این موسسه باعث ایجاد شبکه به هم پیوسته‌ای از ۱۴۰۰ شهر در پنج قاره شد و از مشارکت حدود ۱۰۰ موسسه و شرکت بخش خصوصی و نهاد عمومی بهره می‌گیرد.

— **سازمان شهرهای خواهرخوانده دنیا:** این سازمان برنامه‌های پیشنهادی شهرهای خواهرخوانده جهان که شامل نوآوری و یا تجربه‌ها و دانش کشورهای عضو را برای دیگر اعضا مطرح می‌کند. این سازمان از راه اطلاع‌رسانی در زمینه هم‌اندیشی‌ها و برنامه‌های مرتبط، شهرها را در جهت هماهنگی بیشتر با یکدیگر یاری می‌کند.

نتیجه‌گیری

مرزها بعنوان پوسته و اولین لایه جذب تشعشعات خارجی از اهمیت استراتژیکی برای کشورها برخوردارند و این اهمیت برای کشوری مثل ایران که نیمی از استانهایش در مرز ۱۵ کشور عمدتاً بی‌ثبات قرار گرفته‌اند؛ دوچندان می‌شود در این میان مرزهای شرقی و غربی نسبت به مرزهای شمالی و تاحدی جنوبی از حساسیت و آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و مرزهای استان گوردستان در غرب کشور از این قاعده مستثنی نبوده و همواره بستر آسیب‌ها و جرایم مرزی مختلفی بوده است بویژه در چند دهه اخیر که تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی و همچنین پیامدهای جهانی شدن و گسترش فناوریهای نوین ارتباطی، این آسیبها و جرایم در حد تهدیدات و چالش‌های امنیتی متنوعی ظاهر شده‌اند که از جمله این تهدیدات می‌توان به قاچاق کالا و مشروبات الکلی، ظهور گروهکهای معارض و معاندی مانند کومله، دمکرات، پژاک و

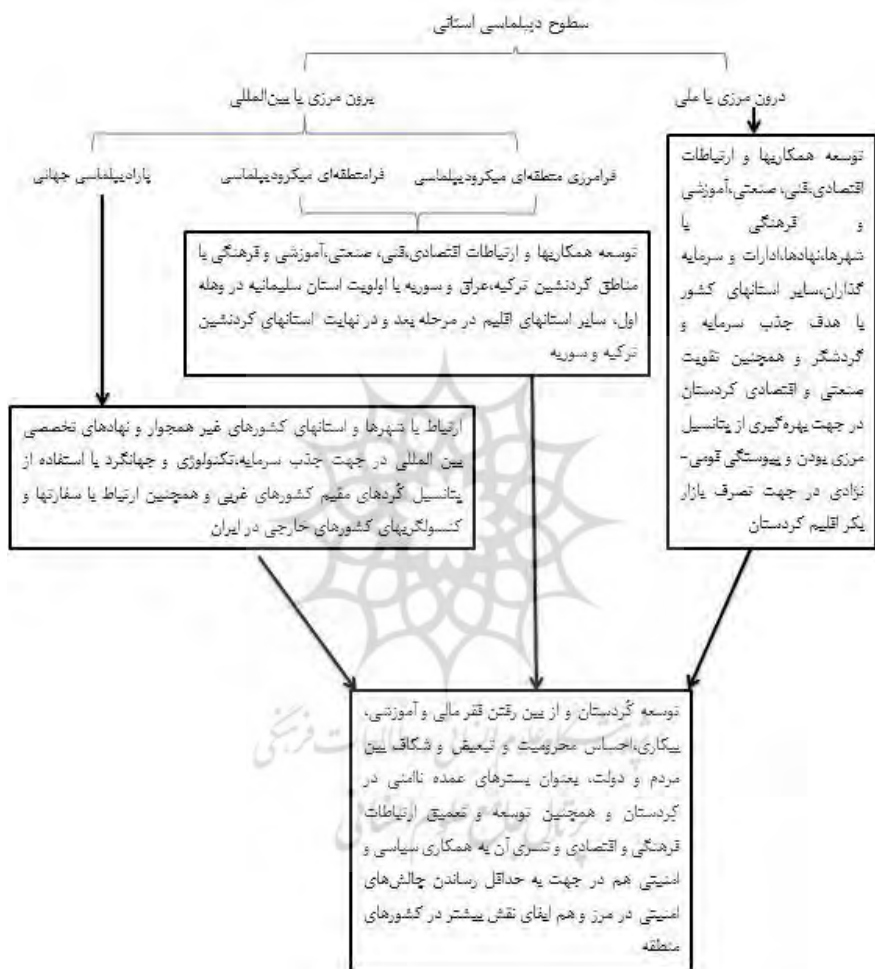
گروه‌های سلفیت جهادی و تا حدی تخلیه بعضی از مناطق روستایی و... اشاره کرد. بررسی تحقیقات مرتبط و همچنین مصاحبه با کارشناسان و مشاهدات میدانی نگارندگان بعنوان -عضوی از محیط تحقیق- حاکی از آن بود که عوامل مختلفی اعم از داخلی و خارجی در فعال شدن شکافهای قومی- مذهبی موجود در کردستان نقش داشته‌اند؛ از پیوستگی قومی - نژادی و مذهبی گرفته تا توپوگرافی منطقه، رسانه‌های معاند، بازیگران مداخله‌گر منطقه‌ای و جهانی، نگاه امنیتی و نگرش سنتی امنیتی به استان کردستان؛ همه و همه در تقویت و تعمیق این تهدیدات نقش داشته‌اند، اما آنچه که از نظر اکثر کارشناسان از اهمیت شایانی برخوردار است و بعنوان بستر و زمینه‌ای برای تاثیرگذاری عوامل خارجی مطرح شده است، بحث توسعه‌نیافتگی استان کردستان و همچنین ناموزونی توسعه در ایران است که مورد اخیر به احساس محرومیت و احساس تبعیض در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی حذف در حوزه فرهنگی، در میان عوام و خواص منجر شده است به عبارتی دیگر شکافهای توسعه‌ای و انطباق بی‌سابقه آن با شکافها و گسل‌های فرهنگی- قومی- زبانی- مذهبی و انزوای جغرافیایی و ارتباطی، در منطقه زمینه‌پایداری برای تکوین ناآرامی و بحران در کردستان را مهیا می‌سازد. اما آنچه که تاحدی می‌تواند به تشدید و تعمیق این تهدیدات منجر شود نگرش سنتی به این تهدیدات و شیوه برخورد با آن است و تاکید صرف بر روشهای سنتی تامین امنیت در عصر حاضر که تهدیدات و جرایم مرزی ابعاد و ماهیتی متفاوت پیدا کرده‌اند، می‌تواند موجبات ناامنی بیشتر و تحمیل بیشتر هزینه‌های مادی و معنوی را بر ایران فراهم کند به عبارتی دیگر سیاست کشور در برخورد با این تهدیدات عمدتاً با بهره‌گیری از ابزار سخت مانند تقویت و تجهیز پاسگاههای مرزی به مدرنترین ادوات نظامی و انسداد مرزی با حفر خندق و دیوار بوده است هرچند که از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح پائینی، بعنوان مکمل بهره‌گرفته شده است اما تداوم و حتی تشدید برخی جرایم مرزی در مرزهای کردستان، از کافی نبودن و عدم کارایی سیاستهای مذکور در از بین بردن جرایم مرزی مذکور بوده است.

لذا نگارندگان باتوجه به نقش توسعه نیافتگی در شکل‌گیری و تعمیق این تهدیدات امنیتی در کردستان و با توجه به همبستگی مثبت و مستقیم بین توسعه و امنیت در

گردستان، راه ارتقای امنیت از مسیر توسعه خواهد گذشت و اقدامات سخت‌افزاری نیز بعنوان ابزاری مکمل در ارتقای امنیت مرزی همچنان اهمیت خود را دارند. در این راستا مرزی بودن استان و محدودیت در بهره‌برداری از منابع داخلی توسعه و ریشه‌های فرامرزی نامنی مرزی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ضرورتی انکار ناپذیر در این مسیر تبدیل نموده است که این خود مستلزم ابزار دیپلماسی است و از آنجائیکه اقدام به این امر از طریق دیپلماسی سنتی یعنی دستگاه وزارت خارجه به دلیل حجم بالای کاری و عدم شناخت جامع بر نیازهای استانی، نه تنها غیر ممکن است، بلکه منجر به از دست دادن فرصتهای بین‌المللی توسعه و به تبع آن کاهش امنیت نیز خواهد شد بنابراین از نظر پژوهش حاضر؛ بازیگران دولتی و غیردولتی محلی و استانی در قالب دیپلماسی استانی و در طول دیپلماسی رسمی حکومت مرکزی قادر به رفع کاستی‌های دیپلماسی سنتی و رسمی در ارتقای امنیت مرزی در گردستان خواهند بود و این امر از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری در وهله اول با مناطق گردنشین در کشورهای همجوار و در مراحل بعد با سایر سازمانهای و نهادها و کشورها، است که از این طریق بر توسعه نیافتگی بعنوان ستون اصلی نامنی در گردستان غلبه نمایند و از جهت دیگر با توسعه و تعمیق ارتباطات اقتصادی و فرهنگی موجبات تسری این همکاری به حوزه سیاست والا که همان مسائل سیاسی و امنیتی است را فراهم آورند و با همکاری‌های سیاسی و امنیتی با اقلیم ریشه‌های برون مرزی نامنی را به حداقل برسانند. بنابراین دیپلماسی استانی هوشمند و هدفمند، افزایش فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری، صدور خدمات، گسترش تجارت خارجی، دستیابی به بازار جهانی و به تبع توسعه استان را در پی خواهد داشت اما بهره‌گیری از پتانسیلهای استان گردستان در زمینه گسترش همکاری با مناطق همجوار کشور همسایه مستلزم حمایت دستگاه وزارت خارجه، حمایت صنعتی — تکنولوژیکی و مالی دولت مرکزی از استان گردستان است که از طریق چانه‌زنی مسئولین استانی با هیئت دولت و همچنین برقراری ارتباط با سایر استانها و سرمایه‌گذاران خارج از استان فراهم می‌شود. بطور کلی می‌توان نتایج تحقیق حاضر را

در قالب مدل زیر خلاصه نمود:

شکل شماره ۴. مدل نهایی تحقیق



پیشنهادات

- ✓ تقویت وضعیت اقتصادی صنعتی کردستان ایران و حمایت و تسهیلات ویژه برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در استان کردستان در راستای خیز برای تصرف بازار اقلیم؛ بواسطه پیوستگی‌های قومی - نژادی و خویشاوندی دوسوی مرز.

- ✓ راه‌اندازی اتاق‌های مشترک بازرگانی با تمامی استان‌های اقلیم و حتی استان‌های گُردنشین ترکیه: هرچند شورای مشترک همکاری اتاق بازرگانی سنندج و سلیمانیه راه‌اندازی شده است اما گسترش ارتباطات تجاری با سایر استانهای اقلیم نیز باید مدنظر قرار گیرد
- ✓ اعطای امتیازات ویژه در تجارت با کشور همجوار به استانهای مرزی باتوجه به بنیه ضعیف اقتصادی این استانها، مانند معافیت از تعرفه‌ها صادراتی برای تولیدکنندگان استان که این معافیت می‌تواند مشوقی برای سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان داخلی در استان کردستان باشد
- ✓ تفکیک اداره روابط بین‌الملل از بخش غیر مرتبط روابط عمومی با توجه به پتانسیل مرزی بودن استان و تاسیس یک دفتر دائمی و مختص برقراری ارتباطات خارجی که متشکل از متخصصین موضوعی و کارشناسان دیپلماسی باشد.
- ✓ برقراری ارتباط گسترده با شهروندان گُردنشین کشورهای اروپایی و آمریکایی، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای جذب سرمایه مالی، علمی، فنی و تکنولوژیکی آنها در استان گُردستان.
- ✓ توسعه ارتباطات با سفارتخانه‌ها و کنسولگری کشورهای خارجی در ایران جهت معرفی جاذبه‌های گردشگری و سرمایه‌گذاری.
- ✓ استفاده از پتانسیل گُردنشینان مقیم خارج جهت برپایی نمایشگاههای گُردستان شناسی در کشورهای اروپایی و آمریکایی با هدف معرفی جاذبه‌های گردشگری گُردستان و معرفی جاذبه‌های سرمایه‌گذاری استان.
- ✓ ایجاد شبکه‌های شهری و استانی در جهت برقراری تعاملات اقتصادی، صنعتی و فرهنگی با سایر استانها و شهرهای کشور.
- ✓ ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در شهرهای مرزی استان کردستان و تقویت زیرساختهای بازارچه‌های مرزی و رفع موانع و مشکلات موجود بر سر راه فعالیت آنها و رسمی کردن بازارچه مرزی سیران بند بانه.

منابع

منابع فارسی

- دباغ، ناظم (۱۳۹۴)، پس از توافق هسته‌ای، تجارت ایران و اقلیم کردستان رو به افزایش است، **روزنامه ابتکار**، شماره ۳۲۰۸، مورخه ۱۳ مرداد ماه.
- عزتی، عزت‌الله و نانوا، سهیلا (۱۳۹۰)، بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال هشتم، شماره ۲۹.
- عزتی، عزت‌الله و نانوا، سهیلا (۱۳۹۱)، سیاست خارجی ایران و چالش‌های فراروی ایران با تغییر ساختار سیاسی در عراق، **دانشنامه**.
- کریمی‌پور، یدالله و حمیدی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری، تهران: نشر انتخاب.
- ابراهیمی، --- (۱۳۹۴)، دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه آذربایجان غربی فرصتی در جهت رشد و توسعه همه جانبه استان برگرفته از سایت:
<http://ostan-ag.gov.ir/tabid/۸۰۷/articleType/ArticleView/articleId/۲۴۳۷۹.aspx>
- احمدی، حسن و دادجو، روزبه (۹۱)، توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- احمدی‌پور، زهرا و قورچی، مرتضی و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۱)، تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی، **مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی شهری**، شماره‌ی اول.
- اخوان کاظمی، مسعود و مرادی، حدیث (۱۳۹۰)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۷۴.
- استانداری کردستان (۱۳۹۴)، **شرح وظایف استانداران و فرمانداران (مصوب شورای عالی اداری ۱۳۷۷)**: <http://www.ostan-kd.ir/Default.aspx?TabID=۱۱۹>
- آشوری داریوش (۱۳۸۵)، **دانشنامه سیاسی**، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات مروارید.
- اصلانی، عابد و احمدی، فرهاد و اصلانی، امید (۱۳۹۳)، طرح پژوهشی "علل و عوامل موثر بر

- گرایش به قاچاق کالا از منظر مرزنشینان بانه‌ای"، استاد ناظر: امیر گراوند، فرماندهی مرزبانی استان کردستان.
- اصلانی، عابدو ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴)، طرح پژوهشی "بررسی جایگاه دیپلماسی استانی در ارتقای امنیت مرزی کردستان"، استاد ناظر: اسکندر مرادی، فرماندهی مرزبانی استان کردستان.
- اطاعت، جواد و موسوی، زهرا (۱۳۸۷)، تقسیمات کشوری و توسعه پایدار؛ مطالعه موردی: ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.
- امیدی، علی (۱۳۹۲)، امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومت‌های محلی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴. شماره پیاپی ۱۱۱.
- بابائی، حسن و صادقیان، مهدی و زینالی، امیرعلی (۱۳۹۰)، نقش تعاونی مرزنشین در پیشگیری از قاچاق کالا و تقویت امنیت مرزی، فصلنامه مطالعات جامعه امن و امنیت انتظامی کردستان، سال دوم، شماره ششم.
- بیژنی، مریم (۱۳۸۴)، دیپلماسی در گذر زمان، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۲-۲۲۱.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- پورااحمدی، حسین (۱۳۸۸)، مبانی نظری دیپلماسی نوین: هدایت دیپلماسی در عصر سیاست جهانی، دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیدی، مریم (۱۳۸۸)، ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره اول.
- پیشگاهی فرد، زهرا و نصراللهی‌زاده، بهرام (۱۳۹۱)، پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲.
- حسینی، سیدکمال (۱۳۹۴)، با شرایط موجود برنامه‌های همسان و تک نسخه ای و مرکز محور، جوابگو نیست، برگرفته از سایت کردپرس.

لیلیان، رضا و رخشانی، حمید و رمضان‌زاده، رقیه (۱۳۹۰)، تحلیل عوامل موثر بر توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران، **فصلنامه مطالعات مدیریت شهری**، سال سوم، شماره ششم.

شیرزادی، رضا، طهماسبی دهکردی (۱۳۷۸)، بررسی مقایسه‌ای همگرایی در اتحادیه اروپا و آکو. محمد، حاجی محمد (۱۳۹۱)، **چرا ترکیه بیش از ایران در کردستان عراق حضور دارد؟**، برگرفته از سایت: اسلام تایمز به نشانی www.islamtimes.org

چوخاچی‌زاده، محمدباقر و امینی قشلاقی، داوود (۱۳۸۹)، **بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی**، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره سوم.

حیدری، محمد و انعامی، سهراب و فتاحی، فرهاد (۱۳۹۱)، **ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران**، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال هشتم، شماره سوم.

شمسی، هژیر و حسن‌زاده، ناصر و اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۹۲)، **ارزیابی جایگاه بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار شهرهای مرزی**، مطالعه موردی: شهرستان سردشت. **فصلنامه دانش انتظامی استان گردستان**، سال چهارم، شماره شانزدهم.

دارائی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۱)، "نقش عوامل اقتصادی در ایجاد امنیت پایدار مناطق مرزی (با تاکید بر استان سیستان و بلوچستان)" **همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان**.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲)، **پارادایم دیپلماسی در عصر جهانی شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری**.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۰)، **ضرورت تحول دیپلماسی ایران در جریان متحول، حیات نو سیاسی، آبان**.

زرقانی، هادی و رنجکش، محمد جواد و اسکندران، منصوره (۱۳۹۳)، **دیپلماسی شهری، تحلیل نقش شهرها به عنوان بازیگران جدید عرصه روابط بین‌الملل، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه‌ای**، سال پنجم، شماره بیستم.

زرقانی، سیدهادی و شادمهری، فاطمه (۱۳۹۳)، **تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های روستاهای مرزی در امنیت مرزهای خراسان رضوی با مدل SWOT، همایش ملی مرزنشینی، توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، پارس آباد مغان**.

زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، **عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر نقش و کارکرد مرزها با تاکید بر مرزهای**

- ایران، فصلنامه ژئوپلتیک، سال سوم، شماره دوم.
- سجادپور، محمدکاظم و زاده علی، مهدی (۱۳۹۳)، ضرورت‌های دیپلماسی در عصر فناوری، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره یازدهم،
- سعادت، حسن (۱۳۹۱)، مبانی نظری و دیدگاه‌های تئوریک در امنیت و توسعه شهرهای مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافتها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- سلطان‌زاده، فاطمه و گلستان، زینب سادات (۱۳۹۴)، فضای کسب و کار در فضای ناموزون، ویژه‌نامه اقتصادی شرق (توسعه منطقه‌ای از آرمان تا عمل)، اردیبهشت.
- شاطریان، محسن و اشنویی، امیر و گنجی‌پور، محمود (۱۳۹۳)، تحلیل راهبردی مناطق مرزی، مطالعه موردی شهرهای مرزی استان کردستان، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۱.
- صفی، محمد (۱۳۸۰)، ژئوپلتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، تهران: نشر شمس.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶)، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قورچی، مرتضی و امانی، محمد (۱۳۸۹)، دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی شدن، دانش شهر، شماره ۷، گروه پژوهشی روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی تهران.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱)، روش و طرح تحقیق کیفی، انتخاب از میان پنج رویکرد، مترجم: طهمورث حسنقلی پور و دیگران، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- میرانی، فاضل (۱۳۹۱)، بررسی روابط اقتصادی و اجتماعی میان ج.ا.ایران و حکومت اقلیم کردستان عراق، به اهتمام اردشیر پشنگ، برگرفته از سایت: <http://peace-ipsc.org/fa/%D8%A8>
- مالرب، میشل (۱۳۸۶)، زبان‌های مردم جهان، ترجمه: عفت ملانظر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- کاوایی‌راد، مراد (۱۳۸۹)، ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران:

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، **گردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

کریمی‌پور، یدالله‌پور و کامران، حسن (۱۳۸۰)، نگاهی نو به طبقه‌بندی استراتژیک مرزها" با تاکید بر مرزهای ایران"، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**؛ دانشگاه تهران.

محمدپور، احمد و ایمان، محمد تقی (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲۸.

ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، **چهره ژانوسی رسانه‌ها، فصلنامه رسانه**، شماره ۷۸. محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین و سلیم‌نژاد، ندیمه (۱۳۸۹)، خودگردانی شمال عراق و تاثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی، **فصلنامه ژئوپلتیک**، سال ششم، شماره اول.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، **سالنامه آماری استان کردستان**
مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۶۴)، **قانون وظایف وزارت امور خارجه**، برگرفته از:
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91058>

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.
جگرخوین، محمد صدیق (۱۳۹۳)، **توسعه روابط اقلیم کردستان عراق و ایران، روزنامه شرق**، شماره ۲۰۱۱، ۱۸ اردیبهشت.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، **تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها**، تهران: صاحب کوثر.
حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۲)، **افق روشن روابط: نگاهی به مناسبات ایران و اقلیم کردستان عراق**، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، شماره ۷۵.

منابع لاتین

- Buzan, Barry (۱۹۹۱), **People, States, and Fear**, Lynne Rienner.
- Acuto, Michele. (۲۰۱۳). **Global Cities, Governance and Diplomacy: the Urban Link**. Routledge.
- Auchli, Peter (۲۰۰۸), **ABC of Diplomacy**, Bern: Swiss Federal Department of Foreign Affairs (FDFA).
- Del Giudice, Manlio. Carayannis, Elias G. and Della Peruta, Maria Rosaria (۲۰۱۲)

- “Cross-Cultural Knowledge Management and Open Innovation Diplomacy: Definition of Terms”, **Innovation, Technology, and Knowledge Management**, Volume ۱۱
- Kim, Hwajung (۲۰۱۱), **Cultural Diplomacy as the Means of Soft Power in an Information Age**
- Neag, Mihaimarcel (۲۰۱۴), Promoting Security Through Public Diplomacy, **Military Art And Science**.
- Nigro, Louis J (۲۰۰۸), Theory and Practice of Modern Diplomacy: Origins and Development to ۱۹۱۴, **Strategic Studies Institute of the US Army War College (SSI)**, Carlisle, United States, Papadimitriou, Pyrros & Pistikou, Victoria(۲۰۱۴) Economic Diplomacy and Security in Sovereign States, **Procedia Economics and Finance ۹**
- Pluijm, R. Van der&Melissen, Jan. (۲۰۰۷). **City Diplomacy: the Expanding Role of Cities in International Politics**. The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael.
- Rivera, Tim (۲۰۱۵), **Distinguishing Cultural Relations from Cultural Diplomacy: The British Council’s Relationship with Her Majesty’s Government**, Los Angeles: FIGUEROA PRESS.
- Sharp, Paul (۲۰۱۲), For Diplomacy: Representation and the Study of International Relations, **International Studies Review**, Vol. ۱, No. ۱.
- Thonon, Cécile Barbeito(۲۰۱۴), **City Diplomacy practices. The Peace building Tools and Initiatives of European Cities**, Office of the Diputació of Barcelona.
- Mondel,Robert(۱۹۹۴),**The Changing Face of National Security:a Conceptual Analysis**,Washington:Berkley University Press.
- Colin S. G, Geoffrey R. S (۱۹۹۹), **Geopolitics, Geography, and Strategy**. Routledge Publishers.